٤- ایثار

٥- صبر

٦- انفاق

در پروسه انقلاب اجتماعي ، موقعيت ومرتبه افراد وگروهها بستگي به نوع وسطح ، مبارزه آنها دارد ، مثلاً کسانيکه در براه انداختن انقلاب در شرايط اختناق نقش پيشتاز دارند ، وکسانيکه از مال وجان خود ، درراه انقلاب ميگذرند ، نسبت به آنها ئيکه خودگذري لازم را در عين شرايط ندارند بر تري دارند ، واين برتري ها يك مسئله ريشه ي است ، تلاش پيگير در جهت وحدت وانسجام نيروها و افراد وبه جريان انداختن حرکت انقلابي ومقاومت در برابر دشمن کشف وشنا خت پايگاه ها وپشتگاه هاي شرك وتلاش در بيرون راندن نيروهاي مشرك ، از کليه اين مواضع ، از جمله مشخصات نيروهاي انقلابي است « ولنبلونکم حتي نعلم المجاهدين منکم والصابرين ونبلواخبارکم » سوره

ترجمه : ميآزمائيم ، شما را تابدانيم که مجاهدکيست ؟ واز ميان مدعيان جهاد چه کساني صابر ،ثابت واستوار وبابرجا باقي ميمانند وآگا هيهايتان را نيز ميآزمائيم . »

جهاد خلق تکامل یافته ترین شیوه مبارزه :

شیوه مبارزات مردم افغانستان ، مخصوصاً در پنجاه سال اخیر ، عمدتاً مبارزات سیاسي ، به اشکال قهر آمیز وپراگنده ، همراه با مبارزات مخفي ، در دوره هاي خفقان سیاسي وحکومت هاي دیکتاتوري مطلقه ادامه داشته ومبارزات پارلماني ، با ایجاد حرکت هاي سیاسي ابتدائي در دوره کوتاه دموکراسي قلابي همراه بوده است دوره هاي به اصطلاح دموکراسي در افغانستان بسیار کوتاه بوده از این گروه ها وسازمانهاي خلقي دوام نیافته وبه تشکل توده هاي عظیم موفق نشده اند ، یعني دراثر کار آرام سیاسي (پارلمان تاریزم) گذشته ، حزب طبقاتي به میان نیامده ومبارزه حزبي پارلماني ، انتخاباتي وشرکت وسیع مردم دراین گونه مبارزات رایج نگردیده ، از جانب دیگردر دوره هاي طولاني حکومت هاي جابرانه ودیکتاتوري ، مقاومت هاي پراگنده وکوتاه مدت قهر آمیز ، سیاسي ، نظامي ونیمه سیاسي نظامي قادر شده تا توده هاي وسیع مردم را بطرف خود کشیده وبه دولت ضربه هاي وارد کنند .

در ۵۰ سال گذشته ، تاسالهاي اخیر سلطنت ظاهرشاه شیوه مبارزات مردم به شکل نیمه قهر آمیز در آمده بود ، مشخصات عمده مبارزات طي سالهاي ۴۲ -۵۲ عبارت از مبارزه سیاسي تشکیلاتي ایدئولوژیك ومجهز به تاکتیك هاي برگزاري جلسات ، اعتصابات وتظاهرات بود ، با کودتاي ۲۶ سرطان ۱۳۵۲ وبه میان آمدن حکومت دیکتاتور داود ومتحدینش ، تاکتیك هاي مبارزاتي

سابق ، مثل بر گزاري جلسات اعتصابات وتظاهرات ، براي ادامه مبارزه كافي نبود ، وعملاً دولت داود با ايجاد قانون جزأ فاشيستي بزعم خود ش نيرو هاي مبارزاتي راخلع سلاح نمود ، در اين حال نيرو هاي كه نتوانستند ، تاكتيك هاي مبارزاتي شانرا تكامل بخشند ، بگوشه ي خزيدند واز آنجائيكه بيش از ۹۸ فيصد مردم افغانستان ، به اسلام معتقد اند ، اراده عظيم اين توده هاي وسيع باعث شد كه مبارزه تاحدي تكامل نموده ، به شكل مقاومت هاي مسلحانه آغاز گردد .

بهر صورت ، ادامه مبارزه مردم افغانستان عليه دولت ضد خلقي داود ، شكل مبارزه قهر آميز را به خود گرفت كه تكامل يافته تر ازقبل بود .

باوقوع كودتاي ۷ ثور ، دار ودسته حزب خلق مجهز به ريفورم اقتصادي ، سياسي واداري وپشتوانه خارجي ودر تضاد با اراده عظيم خلق مسلمان افغانستان قرارگرفت ، چنانچه قبلاً بحث شد ، دار ودسته حزب خلق ، با خواص ارتجاعي كه در نهاد آنها است ، از ريشه با مردم افغانستان تضاد دارند وهمين تضاد ها باعث مي شود تا دولت دست نشانده ، عليه خلق كشور ما به قهر ارتجاعي پناه ببرد . تغييرات در دستگاه دولتي افغانستان نيز به نوبه خود ، روي اين شيوه ازمبارزات مردم ما اثر ميگذارد .

در زمان حكومت داود ومتحدينش ، قسمتي از نيروهاي مردمي از يك جهت كنار كشيده واز ميدان مبارزه رو در روي خارج شدند از طرف ديگر، سوال شيوه جديد مبارزه تكامل يافته تر از

مبارزات نیمه قهر آمیز سابق براي شان مطرح شد وبدنبال راه حل جدید وتدارك مبارزه پیشرفته تر بودند ، امروز بعداز گذشت چند سال مبارزه قهر آمیز ، سیاسي ، نظامي اید ئولوژیك تشکیلاتي ، به حیث یگانه راه حل وتکامل یافته ترین شیوه مبارزه عصر حاضر در دستور روز نیروهاي مبارز قرار گرفته ونیروهاي انقلابي ، روز بروزخود را با این شیوه مبارزه نزدیك مي سازند .

١/ مبارزه مسلحانه مبارزه خلاق

نظري است مبني بر اینکه ، مبارزات اجتماعي در نتیجه تحرك خود بخودي توده ها ، بوجود مي آید ، که قشر پیشتاز وپیش آهنگ تنها جریان مبارزات خود بخودي مردم را رهبري مي کند .

بر اساس این نظر در محیطي که مردم خود شان از خود ، حرکت نشان ندهند ضعف در مجموع جامعه موجود است ، پس بایدبه کار روشنگري آرام سیاسي پرداخت وبا گذشت زماني طولاني اهداف مبارزه تحقق میابد . بر عکس یکي از مشخصات مبارزه مسلحانه که اکثر مبارزین عصر حاضر بدان ایمان دارند ، خلق حرکت هاي مردمي توسط این شیوه مبارزه است . که با عملیات مشخص اکثریت توده ها که بنابه عللي عقب نشیني نموده اند به حرکت فعالانه کشانیده مي شوند .

۲/ مبارزه مسلحانه مبارزه رشد یابنده:

مبارزه مسلحانه ، مبارزه تکامل یابنده است ، بدین معنا که مبارزین در اثر تداوم عملیات مسلحانه به کشف تاکتیك جدید ، دست مي یابند تاکتیك هاي جدید باعث حرکت و تکامل مي شوند ، تحرك دایم التزاید از خاصیت رشد یابندگي این شیوه است ، یعني مبارزه مسلحانه ، مبارزه رشد یابنده است ، نظر به خاصیت ، رشد یابندگي این شیوه است که مبارزات طبقاتي ، ضد استبدادي ، ضد ارتجاعي وضد امپریالیستي جهان امروز ، بادر هم کوبیدن قدرت هاي حاکمه ، ضد خلقي از طریق انقلاب توده ي وبرخورد نظامي با دشمن به پیروزي میرسند .

۳/ مبارزه مسلحانه مبارزه تهاجمي باکیفیت عالي

مبارزه مسلحانه از نظر تاکتیکي یك مبارزه پیشرفته ، نسبت به تاکتیك هاي دشمن است زیرا ، اکثر تاکتیك ها که مبارزین به کار میبرند براي دشمن ناشنا خته است ، دراین صورت اشتباه وموفقیت ، در تناسب معکوس قرار دارند ، مبارزین برتري تاکتیکي خویش را حفظ مي کنند ، یعني کیفیت این مبارزه ، بالا رونده وعالي است .

در سرزمیني که مبارزه مسلحانه متحرك ورشد یابنده و ... آغاز مي شود با وجودیکه دشمن به مطالعه دقیق آثاریکه از مجاهدین بدست میآورد ، یا آثار یکه در جامعه موجود است ، مثلاً نوع عملیات تاکتیك هاي مشخص ، به کار گرفتن تمام امکانات تخنیکي دشمن بازهم در اثر عملیات مسلحانه چنان شرایط بوجود

میآید که کمیت کوچك مبارزین از آنجائیکه دارای کیفیت عالي است ده ها برابر ، روي جامعه اثر میگذارد ، واین است که اردوي بسیار بزرگ دشمن ، باکمیت زیاد در برابر اردوي کوچك مبارزین ، در حالت تدافعي قرار میگرد ، یعني محتواي جنگ انقلابي ، اساساً يك جنگ تدافعي وعادلانه است در جریان عمل ودر گیري رویا روي با دشمن ، حالت تهاجمي گرفته وابتکار عمل در دست مبارزین قرار میگیرد ، دشمن قوي ومتجاوز ابتکارعملش را مي بازد ، زیرا روي اصول ناشناخته کار مي کند ، از این جهت در حالت تدافعي قرار گرفته ، سرانجام نابود میگردد .

٤/ مبارزه مسلحانه مبارزه مستقل است :

در عصر حاضر ما شاهد مبارزاتي هستیم که در شرایط بسیار اختناق آور فاشیستي ، دیکتاتوري بوجود آمده وادامه دارد ، بطور کلي مبارزه مسلحانه ،گرچه تأثیر پذیر از شرایط زماني ، مکاني و ... مي باشد .

با آنهم نوع مبارزه ي است که به پاي خود استوار بوده در هر شرایطي که بوجود آید ،ادامه مي یابد ،برنامه رشد این نوع مبارزه ، عمدتاً برپایه کاریکه مبارزین انجام میدهند استوار است ، بقاء ورشد جنبش بر اساس عمل جنبش بناشده ، نه بر اساس حرکت هاي خود بخودي توده ها وتصادفات نیك ، همین خصوصیت است که تمام سازمانهایي معتقد به مبارزه مسلحانه ، نه تنها استقلال مالي

وعملياتي از قدرت هاي ديگر دارند بلكه استقلال ، ايدئولوژيكي وسياسي نيز دارند . (۱)

۵/ مبارزه مسلحانه مبارزه صادقانه است :

مبارزه مسلحانه بر اساس عمل انقلابي استوار شده است ، لذا افراد و نيروها طوري در جريان عمل قرار داده مي شوند كه يا صادقانه عمل نمايند يا مبارزه را ترك كنند ، بنابر اين احتمال انحراف جنبش ازطرف دشمن به حد اقل ميرسد چنانچه در جريانهاي پارلمانتاريسي امكان انحراف بيشتر است .

شيوه هاي قديمي ، دشمنان مردم اين بوده كه سازمانهاي مردمي را از مسير اصلي به انحراف بكشانند .

---

(۱) يك عده سازش كار وفرصت طلب به بهانه پشتگاه بين المللي خود شانرا از جريان مبارزه بدور ميكشند ويا منكر انقلاب توده اي مي شوند وبه اجانب پناه مي برند .

۶/مبارزه مسلحانه مبارزه آگاهانه ومتکي به توده ها

دراين نوع مبارزه ، قشر پيشتاز به وظايف اجتماعي وتاريخي ومسئوليت هاي انساني خويش ، ايمان آگاهانه وانقلابي دارند وبابر خورد دقيق به پديده ها وشناسايي علمي روابط وتضادهاي موجود در جامعه آگاهانه عمل مينمايند ، لذا ، از پشتيباني عميق توده هاي عظيم انساني بر خوردار مي باشند .

مبارزه مسلحانه که فوقاً بيان شده مبارزه ضد امپرياليستي است .

امپرياليزم خونخوار شده وباتجربه تر ، مي شود وتغيير شکل ميدهد دولت هاي وابسته به امپرياليزم سازمانهاي بين المللي ضد مبارزه مسلحانه را بوجود مي آورند ، اما اين شيوه مبارزه ، جوابگويي تخنيك پيشرفته دشمن است ، بر تري انسان بر تخنيك جوابگوي همه امکانات امپرياليست ها است ؛ مبارزه مسلحانه ادامه مي يابد ، زيرا در همين شرايط بوجود آمده ورشد نموده است .

« ونريد ان نمن علي الذين استضعفوا في الارض ونجعلهم في الارض ونجعلهم ائمة ونجعلهم الوارثين » سوره قصص آيه ۵ ».

فشرده ي از دیدگاه هاونظرات ما

این ، نوشته خلاصه ي از دیدگاههاي اید ئولوژیکي سازمان است ، که در سال ۱۳۵۸ در نتیجه اي جمع بندي جلسات ، عده اي از اعضاء رهبري وتعداد ، اعضاء سازمان به رشته تحریر در آمد ومنتشر گردید .

بسم الله قاصم الجبّارین

درباره هستي یا وجود :

هستي یا وجود واقعیت قایم به ذات ومستقل ازذهن است ، بیان صحیح از هستي وجهان بیان مطابق به واقع است ، نه ساخته وپرداخته میکانیزم ، نامرئي ذهن (۱) چرا که قوانین هستي واقعیت مستقل از ذهن ، قابل شناخت اند ،انسان قادر است ، به مدد علم وویژگي هاي تکاملي خودش ، راهش را ، در شناسایي واقعي ووسیعي از جهان بازتر نماید وباغني تر شدن ، تجارب عملي بازهم به واقعیت هاي بیشتري دست یابد . « ان في خلق السموات والارض واختلاف الیل والنهار والفلك التي تجري في البحربما ینفع الناس وما انزالله من السماء من ماءٍفاحیابه الارض بعد موتها وبث فیها من کل دابة وتصریف الریاح والسحاب المسخرین السماء والارض لأ یات لقومٍ یعقلون » سوره بقره آیه ۱٦٤

---

(۱) کماانیکه خود ، ذهن نیز واقعیتي دیگریست متأثر از قوانین هستي و در رابطه با کل جهان مستقل از خودش .

ترجمه : به درستیکه در خلقت آسمانها وزمین ودر گردش شب وروز ودر حرکت کشتي هاي که براي منافع مردم در بحر ، حرکت مي کنند . ودر آبي که خداوند از آسمان نازل مي کند وتوسط آن زمین را بعدازمرگش زنده میکند ، جنبده هاي بي شماري پراگنده مي شوند وهم چنین ، در حرکت بادها وابري که تحت فرمان بین زمین وآسمان در گردش است ، همگي نشانه هاي (شناخت) است براي گروهیکه تعقل وتفکر مي کنند.

جهان : مجموعه ي توحید ، متحرك ، جهت دار و باهدف است ، جهان شامل در هستي است ولي کل آن نیست . چگونگي ذات هستي یا وجود ، براي ما قابل درك نیست ولي قانون مندیي که در روابط پدیده هاي جهان نهفته است وعلم ما قادر به کشف نسبي آن است ، ما را درشناسایي واقعیت هاي مستقل از ذهن یاري میدهد ، تا آثار عیني ، از تجلي هستي را بیان کنیم .

نقش هستي مطلق ، نقش جوهري ، اما لا ینفك جهان است وجهان بدون جوهر (مبداء واحد) قابل تبیین نیست .

این بیان وقتي عینیت مي یابد که مابر اصول شناخت صحیح از جهان د ست یافته ومبناء وغایت هر حرکتي را در سلسله ي از قانون مندي ها مطالعه کنیم .

مجموعه ي هویت ها : -

مجموعه ؛ کل نسبي متشکل از مراتب وجود است ، تفاوت پدیده ها را فقط مي توان در تقسیم بندي مراحل مشخص (از تغییر کمي

بسم الله الرحمن الرحیم

(به نام پروردگار تکامل بخش هستي)

مقدمه : مطالب این مجموعه طي چند سال اخیر ، از جانب مجاهدین مستضعفین در ایران ، پاکستان واروپا ، در چند نوبت چاپ شد ودراختیار علاقه مندان قرار گرفت .

بنابه علاقه مندي هموطنان ، به مطالعه ، نوشته هاي مجاهدین مستضعفین وآگاهي بیشتر از طرز تفکر وعملکرد هاي ما این مجموعه که منتخب از جزوه هاي جهاد خلق ، فشرده ي از دید گاه ها واصول علمي جهاد ، تهیه شده است را تجدیدچاپ مي نمائیم . در صورتیکه خوانندگان ، توضیحي در مورد این نوشته ها بخواهند ویا اشتباهاتي را تذکر بدهند ، به آدرس هاي ارتباطي ما تماس بگیرند امیدواریم به همکاري هم ، مسئولیت عقیدتي وتاریخي خویش را در برابر مردم به نحوشایسته انجام دهیم ، امیدواریم نوشته هاي دیگري را نیز در این ردیف طي جزوات جداگانه دیگر ، تکثیر نمائیم تا علاقه مندان به عقاید و عملکرد هاي مابیشتر آشنا شوند .

آشنائي روشنفکران با احساس و وطن دوست با ما ، د ر شرایط بحراني کنوني ، شاید روزنه ي امید ي شود ، براینکه سراسر کشور ، جولانگه وابستگان به خارج وجنایت کاران وباالاخره ناامیدي وشکست نیست ، بلکه نیروهاي انقلابي وغیر وابسته ومستقل وخدمتگار مردم ، راه دیگري ، راه پیروزي وامید راگشوده اند .

مجاهدین مستضعفین افغانستان　　　پاکستان اسد ۱۳۷۰

به کیفي) به مراتب ساده ومتعالي از هم تشخيص داده هر مقطع نسبي که در قبال اين تقسيم بندي ،از کيفيت مغاير کيفيت قبلي وبعدي بر خوردار باشد در واقع بيانگر مرتبه (هويت) مشخص است

توحيد :

تمام هويت ها منجمله انسان ونظام اجتماعي انسانها در ارتباط هم بگونه حل تضاد ها (زدودن شرک در مراتب هستي غلبه بر شرک دروني خودانسان وغلبه بر شرک اجتماعي و...) بسوي هويت مطلق (الله) شتابانند : « ولله ما في السموات ومافي الارض والي الله ترجع الامور » آل عمران - ۱۰۹ (هرآنچه در آسمانها وزمين است از آن خداوند است وباز گشت تمام امور بسوي اواست).

اين نوع رابطه نمودي از رابطه توحيد در ذات وجود هر پديده ها است به اين معنا که جهت حل تضاد ها ونفي عامل باز دارنده (وجوه متضاد) همچنان در حفظ وحدت ويکپارچگي پديده مشهود است (نفي ضد در وحدت نه درشرک) بنابر اين تضاد در وحدت تجسم واقعي اين رابطه است چنانچه جهت حل تضاد ها ، جهت توحيدي وغايت نسبي حل تضاد ها هدف توحيد است .

بانگرش توحيدي (حل تضاد ها) به کشف قانونمنديهاي خاص پديده ها قادر هستيم تاسرنخ نسبي از جهت ها را بيابيم وهدف را که اساساً لازمه جهت است ، در پي آمد هر جهش نهفته است که با توسل با هرهدفي هنوز ، در نقطه ي از جهت قرار داريم وهمچنان بسوي هدفهاي غاي تر تا آنجا که مجموعه هماهنگ هدفها ، در مجموع وبه

موازات هم ، جهت واحد و محراق اصلي را در بي نهايت تلاقي مي كند وآن هستي مطلق وقايم به ذات (الله) است « انا لله وانااليه راجعون » (همگي از آن خداونديم وهمه بسوي اوبر ميگرديم) .

حركت :

جهان مجموعه مراتب وجود است وحركت تغيير مراتب وجود است . تغيير اصلي ترين بيان حركت است ونه عامل آن ، وجود مراتب تبديل هويت ها وواقعيت تغيير است ، تغيير (حركت) خصوصيت ذاتي اشياء وپديده ها است ،از آنجائيكه هيچ پديده ي در جهان بصورت مجرد وناب وجود ندارد ، لذا مراتب نيز در ارتباط عمدتاً دوگانه دروني ارگانيك وغالب ومغلوب سلسله ي زنجيري بهم پيوستهی تغيير هويت ها است .

« خلق السموات والارض ، باالحق يكورالیل علي النهار ويكورالنهارعلي اليل وسخرالشمس والقمر كل يجري لاجلٍ مسمي الا هو العزيز الغفار » سوره زمر آيه ۵ .

ترجمه : (آسمان وزمين را بابناي استوار پديد آورد ، شب به روز وروز برشب پيچيده مي شود وآفتاب ومهتاب راتحت فرمان ونظم در آورد كه همگي تا آن موعد مقرردر جريان وحركت دائمي باشند آيا چنين نيست كه او قدرت مند وبخشاينده است).

تغيير كمي وكيفي :

تغيير كمي در هيچ مرحله ي جدا از تغيير كيفي نيست هر تغيير كمي در عين حال بيان گر تغيير كيفي نيز هست ، چون رابطه تغيير متقابل وتأثير بذيريي آن به اندازه ي فرورفته ودر هم است كه تشخيص لحظه اي كميت وكيفيت مشخص از آن چندان محسوس نيست ، بنابر اين درشناخت هويت ها مجموعه از تغييرات لحظه اي ، حكم تغييرات كمي را دارد كه انجام نهايي آن به تغيير كيفي عميقتري پايان مي يابد ، نحوه گذر ، از كيفيت قبلي (در اثر تراكم تغييرات كمي) به كيفيت جديد ، جهش بين دو مرتبه محسوب مي شود . به عبارت ديگر تغيير كمي تغيير تدريجي وتغيير كيفي تغيير ، ريشه اي حركت پديده ها وجهش مرحله مشخص گزار از كيفيت يا مرتبه قبلي كهنه به كيفيت يا مرتبه بعدي (نو) بيان شده مي تواند .

ارتباط : از لابلاي مسائل اساسي مربوط به مراتب وجود مسلم است كه هر پديده در جريان تغيير از مرتبه اي به مرتبه جديد تر دائماً در حال تصادم وبرخورد باپديده هاي ديگر ووجوه متضاد دروني خودش از آنها متأثر مي شود ، ونيز متقابلاً روي آنها اثر ميگذارد ، دراين جريان هيچ پديده مستقل و مجرد (بدون رابطه علت ومعلولي) را نمي يابيم كه في نفسه قادر به حفظ هويت وادامه موجوديت قبلي خود باشد .



تضاد :

از اصول فوق مي توان به اين نتيجه رسيد كه « تضاد » عمده ترين اصل شناسايي ديناميك ونقش عامل حركت جهان را دارد ، هر پديده در جهان ، حكايت از وجوه متضاد دروني وتضاد هاي بيرون مي كند . كه در پروسه تكوين اش نقش دارد ، درميان كليه تضاد ها فقط عامل واحدي از تضاد اصلي وعمده بوده وبقيه نقش فرعي وجانبي را دارند كه : حل آنها در تضاد عمده واصلي نهفته است ، تغيير وتحول پديده ها اصولاً ناشي از تضاد هاي دروني است كه نقش تعيين كننده را دارد ونقش تضاد هاي خارجي فقط به تناسب خواست وپذيرش تضاد دروني ، بعنوان شرط لازم حل تضاد ها محسوب مي شود ، شيوه حل تضاد اصلي در برخورد خصمانه وآشتي ناپذير نهفته است . ولي در مورد تضاد هاي فرعي بايد حل آنها را همزمان در چارچوب خصوصيات خود شان از طريق مسالمت جستجو كرد .

تكامل :

تكامل عام ترين قانون (١) خلقت است كه جبراً برحركت كل جهان حاكم است ، حاكميت قانون تكامل ضبغه « جبر ميكانيكي » رانداشته وواقعيت مستقل از ذهن است كه در حركت وقانونمنديهاي هستي ودر عمق انگيزه هاي كمال جويي اشياء وپديده ها اعم از انسان وجامعه نهفته است .

---

(١) قانون يانظام عبارت از روابط هماهنگ وموجوديت ارتباط منظم پديده ها است .



باچشم اندازي به عقب وبه كرانه هاي آغاز خلقت (به تناسب بينش علمي عصر حاضر) جهان را مجموعه ي فشرده تر ودر ساخت ساده تري مي يابيم كه از عناصر محدودي شكل يافته وباگذشت قرون واعصار به ادامه تحولات متناوب كمي وجهش هاي عظيم كيفي (كه دوران كيفي طولاني تر ومشخص تري رابيان مي كند)

به اشكال پيچيده تر ووسعت بيشتر گرائيده است ، واين گرايش بعداز اين نيز(به درجات متفاوت درزمينه هاي مختلف) درعين ارتباط محكم پديده ها وحركت مداوم (تغيير مراتب وجود) همچنان ادامه خواهد يافت ، مراتبي نفي ومراتب ديگر، جايگزين آن مي شوند ،«نو» ها كهنه مي شوند ، و«نو» هاي ديگر از بطن كهنه بانفي «كهنه » به ظهور ميرسند ، تضاد ها در وحدت حل مي شوند ، تضاد هاي جديد به مبارزه ادامه ميدهند واين حلقه ها در توالي صعودي ، حركت تكاملي رويهم تكرار مي شوند . با تكميل هر حلقه به ادامه حلقه هاي ديگر مرتبه ي از وجود متكامل تر وپديده هاي تواناتر ، بر محيط ما حول خود مسلط تر ، دايره محدود يتش فراختر واز وابستگي ها بي نياز تر مي شود ، سرعت ارتقاء وتكوين حلقه هاي تكاملي در جهان (منهاي انسان) رويه كندي بيشتر (Decelartion) ودر حال تقرب به مراحل اشباع (Saturation)وبازماندن از رشد وبالندگي است .

ولي انسان وجامعه نظر به وجوه متعالي تر (اراده ، آگاهي وبي نهايت طلبي) انگيزه كمال يابي « عشق » درزمينه هاي متوازن اجتماعي (عدالت) رشد بيشتر يافته وجامعه ودر نهايت

انسان به كمك فرآورده هاي علمي وتسخير هر چه بيشتر آسمان وزمين باشتاب بيشتر (Acceleration) بسوي (الله) (آزادي مطلق) رهاتر مي شود « والي الله ترجع الامور ».

ايدئولوژي اسلامي :

ايدئولوژي اسلامي عبارت از قوانين ومعتقدات منسجم ومنظمي است كه نحوه عملكرد ها وارتباط انسان با خدا ، انسان با انسان وانسان با ساير پديده ها را معين مي سازد .

پايه هاي ايد ئولوژي :

۱/ توحيد : نمايانگر ،حل تضاد هاي انسان با خودش ، انسان با جامعه وانسان با طبيعت وايجاد وحدت در تمام ابعاد زندگي انسان ها است .

الف : توحيد در انسان يا حل تضاد هاي انسان با خودش عبارت از ، زدودن خصلت هاي شرك آميز در طول زندگي ودر زمينه اعتقادات غلبه بر عقايد شرك آميز وگزينش اعتقادات توحيد است : « لقد خلقنا الانسان في احسن تقويم ثم رددنا ه اسفل سافلين (۱) سوره تين آيه ٤-٥) اين تضاد ، عمده ترين تضاد ، زير بنايي است كه حل آن از طريق جهاد اكبر ميسر است .

---

(۱) انسان را به بهترين صورت خلق كرديم وانگاه به پست ترين جايگاه بازگردانيديم . (مسلماً گزينش توحيد بهترين وبرترين صورت وپذيرش شرك پست ترين سقوط گاه است .)

ب : توحید ، در جامعه یاحل تضاد انسان با جامعه ، عبارت از ، زدودن ، اشکال استضعاف ونفي کلیه روابط شرك آلود اجتماعي وبر قراري وحدت اجتماعي است .« لقد ارسلنا رسلنا ... »(وبه تحقیق فرستادیم پیامبران خود را بانشانه هاي آشکار(منطق روشن) وفرستادیم همراي شان کتاب (قانون) وترازو (وسیله غدالت) را تامردم ، قیام به قسط کنند وآهن را فرستادیم که در آن سختي کار زار و منافع دیگر براي مردم است تا معلوم شود که کي یاري مي کند خدا ورسولش را ، در حالیکه ندیده است ، بدرستیکه خداوند نیرومند وتواناست) سوره حدید آیه ۲۵ .

ج : توحید در طبیعت یاحل تضاد انسان با طبیعت ، عبارت از توافق نسبي انسان با قوانین حاکم بر طبیعت است که سیر حل تضاد ها وبرقراري وحدت هر چه بیشتر را ، در طول تکامل انسان در برداشته باشد : « یا معشر الجن والانس ان استطعتم ...) سوره رحمن آیه ۳۳.

(اي گروه جن وانسان اگر خواسته باشید بر کرانه هاي زمین وفضا پا گزارید واز محدوده زمین بیرون روید ، مي توانید ، ولي این کار بدون تسلط شما بر قوانین طبیعت ممکن نیست .)

۲/ نبوت در پروسه تکامل اجتماعي درون جوشي (بالقوه یا بالفعل) حرکت ناشي از تضاد هاي جامعه ، امرناگزیر واجتناب ناپذیر است ، ولي با توجه ، بوجوه ممیزه اي که مشخصه ذاتي انسان است ، امکان انحراف واز هم پارچگي نیروهاي رشد یابنده نیز واقعیت عیني است ، که عمر عوامل باز دارنده تکامل را بیشتر مي سازد

(حاكميت شرك اجتماعي) اعتقاد به حركت خود بخودي (از جمله ماترياليسم تاريخي) ومحدود كردن واقعيت هاي مستقل ازذهن را به جبر ميكانيكي ونفي اختيار نسبي انسان ، زمينه را براي سلطه طاغوتي به اشكال مختلف (نتايج عملي طرز تفكر اپورتونيستي ، براگما تيستي و ...) آماده مي سازد ، بنابر اين ، ضرورت رهبري ومكانيزم آن به پشتوانه ارزشهاي متعالي ، مطابق با واقع ايدئولوژي ، درجوامع درطي اعصار از منبع واحد (وحي) (۱) خود واقعيت ديكر ، مستقل از ذهن است كه محور اصلي حل تضاد ، دورني (وحدت) جريان اجتماعي راتشكيل ميدهد وبسرعت حركت تكاملي آن ميافزايد و... بطور مثال تحولات عميق ودگر گوني هاي كه به اثر انقلابهاي اجتماعي در عصر حاضر در نقاط مختلف جهان بوقوع پيوسته ، هيچكدام ازنظر ادوار تاريخي ، نظام وپايگاه طبقاتي مردمي ، در شرايط كاملاً شبيه به هم قرار نداشته اند ولي تا حدودي همه ماهيت ضد استثماري وضد نظام طبقاتي وضد سلطه خارجي ، داشته اند .

بنابراين انقلاب ايكه در شرايط تحت حاكميت جديد ترين شكل نظام بورژوازي ، به پيروزي ميرسد ، نمي تواند بيا نكر اين باشد كه :

---

(۱) ضرورت وحي هرگز نفي خصوصيات متعالي وكمال يابي انساني را در حيطه ي تكامل دانش ووسعت جهان بيني ، بشري نمي كند ، بلكه به مثابه نور هدايت (در جهت پرورش دادن وويژگي هاي متعالي انسان) وتمسك جستن به معيار هاي اصلي تشخيص حق از باطل است .

مثلاً ، در جوامع تحت سلطه نظام فیودالي وحتي نیمه بدوي ، انقلابي در جهت جامعه توحید ي براه انداخته نشود (نفي الگوسازي) تا زمینه رشدطولاني وتدریجي بورژوازي فراهم شود ، وبالاخره انقلاب اصیل ، تحقق یابد ، تا آنزمان که شرایط عیني وذهني انقلاب جبراً آماده شود ، باید شاهداستثمار وبي عدالتي وغارتگري از شکلي به شکل دیگر بود .

چه اندیشه ي بهتر از این ، براي استعمار وامپریالیزم که لحظه ی از استثمار وغارت بیشتر خلقها فارغ نیستند ! ومي بینم که اصل نبوت (رهبري وهدایت) بطلان این تحجر فکري وعقیدتي رادر عمل بیان مي کند ، از دیدگاه ایدئولوژي توحیدي ، مسئولیت رهبري در جامعه بعداز پیامبران الهي به امامت ودر غیاب امام به جریان پیشتاز انقلاب اصیل اسلامي که رسالت ایدئولوژي توحیدي رابدوش دارند ، تعلق میگرد .

معاد : براساس نظرگاههاي قبلي در تکامل وادامه حرکت اجتماعي ونقش زیر بناي انسان در ساختن جامعه وبحرکت در آوردن آن (تاریخ) وبه مدد کشف قانونمندیها وتسلط نسبي بر طبیعت که هم متأثر از اراده وآگاهي اي نسبي انسانها است ، در ارتباط وتأثیر متقابل ، روي سایر پدیده هاي جهان از کوچکترین تابزرگترین واز پست ترین تاعالي ترین عملکردش هرگزمحو ونابود نشده ، بلکه تبدیل به عوامل تغییر وایجاد عکس العمل هاي مي شود که ، گاه در نمود هاي کوچك وبزرگ وتغییرات ناچیز ومهم کیفي زندگي فردي واجتماعي اش را ، دوباره متأثر مي سازد ، یابه عبارت دیگر ،

عملش بخودش بر میگردد ، آنچه بیشتر مسلم وقابل تأمل است ، اینکه این عمل کرد ها در پیچیده ترین روابط چند گانه فوق در جریان تراکم ، عمومي ، تأثرات اجتماعي وکمیت هاي دیگر به عظیم ترین وعمیق ترین تغییر کیفي (جهش موعود) منجر خواهد شد، که وقوع آن همزمان بانفي مرحله ي از زندگي (مرگ) خواهد بود . کیفیت جدید در واقع ، حاصل تغییرات کمي کیفیت قبلي ویا عملکرد هاي دوران قبلي زندگي خواهد بود که اینك تأثیر متقابل آن برگشته ودر حیات نوین فرد تبلور یافته است ، بنابر این اصل « معاد » في الواقع ، قاطع ترین سندي است ، در برابر مسئولیت ورسالت که انسان باید بعهده داشته باشد ، انسان «مسئول » است وکوچك ترین راه فرار ، از مسئولیت برایش وجود ندارد « فمن یعمل مثقال ذرة خیراً یره ومن یعمل مثقال ذرة شراًیره » (هرکس مقدار یك ذره عمل نیك انجام دهد پاداش مي بیند وهرکس مقدار یك ذره عمل بد انجام دهد ، جزاء مي بنید) سوره زلزال آیه ۷-۸)

فلسفه تاریخ :

شناخت صحیح از پدیده هاي جهان ، منجمله انسان بیانگر این است که انسان از مراحل ساده به عالي (بیولوژیکي ، فکري) تکامل مي نماید ، بعداز طي مراحل ابتدایي تکامل انسان ، جوامع انساني ، بیانگر مراحل بعدي تکامل انسان است ، تکامل اجتماعي انسان زاده تضاد انسان باواقعیت ها ، منجمله با خودش ، عامل اصلي حرکت تاریخ را بیان مي کند ، خصوصیات اجتماعي ادوار

جهاد خلق

این نوشته با مطالعه ونتیجه گیري قرآن مجید و دیگرمتون اسلامي وجمع بندي جریانات مبارزه درافغانستان وروند رشد جنبش هاي آزاد یبخش در جهان در سال ۱۳۵۷ - ۱۳۵۸ تدوین گردیده ودر سال ۱۳۵۸ منتشر گردیده بود .

مباني ایدئولوژي مبارزات مسلمانها

در ایده یولوژي رهائي بخش اسلام ، مبارزه مستمر وگسترده اجتماعي (سیاسي ، اقتصادي وفرهنگي) امر بمعروف ونهي از منکر نامیده مي شود ، این اصل از پایه هاي اساسي ،ایدئولوژي ، پویاي اسلام ، بردو مبناي ایجابي (امر) وسلبي (نهي) استوار است ، امر بمعروف اندرز هاي ساده اخلاقي وبي تعهد نیست بلکه توضیح وتبیین اشکال گوناگون وگسترده مبارزه اجتماعي ، در شرایط محیطي وزماني متفاوت است : « ولتکن منکم امة یدعون الي الخیر ویأمرون بالمعروف وینهون عن المنکر واولئك هم المفلحون» (۱)

امر بمعروف ونهي از منکر عمل آگاهانه ي است که به اساس تعهد انساني واجتماعي مسلمانان صدیق وراستین صورت میگیرد وانسان را به تعیین موقف اش در برابر ، نیروهاي ارتجاعي و مزدور ، وامیدوارد ، این عمل از نظر اهمیت وارزش از اهم فرایض به حساب میآید :

---

(۱) باید از شما امتي باشند که مردم را به نیکي ها امر نمایند واز بدیها باز دارند وآنها خود رستگارانند . آل عمران آیه - ۱۰٤

تاريخي را ، اساساً مي توان در اشكال مختلف روابط انسان وتوليد تشخيص داد .

تفكيك دوره هاي تاريخي ومراحل گذار يك دوره به دوره جديد فقط در نقش زير بنايي انسان قابل توجيه است ولي نظام اقتصادي كه برپايه شكل توليدي ، استوار است ، روابط اجتماعي رادر نهاد هايش مورد هجوم قرار ميدهد ، وروابط جديد پس از استقرار ودر جريان روند عاديش دوباره تضاد هاي نهفته اش رابا واقعيت ها از جمله انسان ، آشكار مي سازد ، حل نسبي اين تضاد ها به تغيير شكل استثمار مي انجامد .

به بيان واضح تر ، آغاز استثمار باآغاز اضافه توليد ، تصرف وانگيزه دروني خود انسان همزمان است كه سرانجام جامعه به دو جناح مستضعف ومستكبر وطبقات تقسيم مي شودرشد وتكامل ابزار توليد ، ناشي از انگيزه افزايش توليدي وغلبه بر محدوديت ها به مبارزه انسان با عوامل طبيعي ، مربوط مي شود ، مطالعه ادوار تاريخي جوامع انساني قانون خاص تغيير وتكامل جامعه انساني را مي آموزاند (توحيد امامت ، معاد) كه نتايج عملي زير را دارد :

۱/ نفي نظام طبقاتي در جامعه « ان فرعون علافي الارض وجعل اهلها شيعاً يستضعف طائفة منهم يذبح ابنائهم و يستحي نسائهم ، انه كان من المفسدين » (قصص آيه ٤) .

(فرعون تكبر كرد وخود را برترين اهل زمين پنداشت ، واهل زمين رابه گروهاي متفاوت تقسيم كرد ، گروهي از آنها را ضعف كشانيد (براي پيشگيري از انقلاب) فرزندان شانرا مي كشت وزنها را براي

استثمارنگهميداشت ، واقعاً او سردسته مفسدين بود) .

٢/ نيروهاي اصلي محر كه تاريخ را آن طبقه از اجتماع تشكيل ميدهد كه باواقعيت وقوانين خلقت بيشتر تطابق دارند(مستضعفين).

« ونريد ان نمن علي الذين استضعفوا في الارض ونجعلهم ائمة ونجعلهم الوارثين » (قصص آيه ٥)

(وارادہ كرديم كه نعمت فراوان دهيم به آنها يكه در زمين به استضعاف گرفته شده اند وآنها را پيشوايان جوامع و، وارثان زمين قرار دهيم) .

٣/ حركت جوامع كه بيانگرحركت تاريخ است در مجموع جهت تكاملي دارد : « ياايهاالانسان انك كادح الي ربك كد حا فملاقيه » (انشقاق آيه ٦) (اي انسان تودر مسير حركت به جانب پروردگارت زحمت هاي بيشماري خواهي كشيد ولي سر انجام به رحمت او خواهي رسيد).

انسان ايده آل:

معيار سنجش تكامل انسان ، كسب صفات خداوندي (انطباق باقانون خلقت) مي باشد ،نمونه هاي عيني انسانهاي متكامل پيامبران اند تكامل انسان (حركت بسوي شدن انسان ايده آل) كه دربطن تكامل جهان و جامعه انساني است ، از كانال مجاهد شدن عبور مي كند ، عنصر مجاهد با صفات : « الذين آمنوا وهاجروا وجاهدوا في سبيل الله » مشخص مي شود . يعني ايمان به مكتب مشخص (مكتب اسلام) جهان بيني توحيد ي وطر د كليه ي وابستگي هاي كه مانع تكامل ميگردد واتخاذ شيوه مشخص

مبارزه (جهاد تکامل یافته ترین شیوه مبارزه مکتبي در هرعصر ودر عصر حاضر . مبارزه تشکیلاتي - سیاسي ،مسلحانه حرفه اي و ...) وراه درازمدت معین (في سبیل الله) که دراین مقطع تاریخي راه ضد ارتجاعي ضد امپریالیستي وغیر کمونیستي مي باشد .

جامعه اید ه آل :

تکامل یافته ترین نظام اجتماعي قابل تصور ، جامعه توحیدي است . که با تعریف نفي کامل استثمار (از طریق نفي نظام طبقاتي وبرقراري وحدت اقتصادي ، اید ئولوژیك ...) وکسب خصلت هاي توحیدي (کسب صفات انسان اید آل) مشخص مي شود ، بنابر این شعار استراتژیك ما عبارت از جامعه توحیدي فاقد طبقات است .

اوضاع جهان امروز:

در جهان امروزي ، روابط استثماري ، به اشکال گوناگون آن ، در جوامع وجود ، دارد وامپریالیزم پیچیده ترین مناسبات ، استثماري جهان امروزي است .

تضاد اصلي وعمده جهان (تضاد بین نیروهاي تکامل یابنده وضد تکامل ، در سطح جهاني) تضاد بین استثمار شده واستثمار گر مي باشد ، به عبارت دیگر ، تضاد بین مستضعفین وامپریالیسم در رأس آن ، امپریالیزم آمریکا است .

ماهیت دولت شوروي ، ماهیت ارتجاعي بوده نسبت به زمانش حافظ مناسبات کهنه ، استثمار گرانه بوده که مناسبات آن با

مستضعفين جهان بصورت نمود هاي امپرياليستي ازطريق دولت هاي وابسته به خودش ظاهر ميگردد ، در حال حاضر مانع رو در روي تكامل جامعه افغانستان دولت استثمار گر غارتگر وارتجاعي شوروي است (۱)

جامعه افغانستان :

نظام اقتصادي جامعه افغانستان وروابط عمده حاكم بر آن ، درمراحل اول سرمايه داري ودر اواخر نظام فيودالي ،قرار دارد ، كه بادخالت نيروهاي خارجي وزمينه سازي هاي قبلي اش ، سير تكامل جامعه افغانتسان ، از مسير طبيعي اش موقتاً منحرف شده است ، ما معتقديم كه عامل اصلي ، دگرگوني نظام حاكم ،در حل تضاد دروني جامعه است « ان الله لا يغير مابقوم حتي يغير واما بانفسهم » (رعد آيه ۱۱)

نه درنقش داشتن پديده هاي خارجي كه ريفوريست هاي كنوني (قشر بير وكرات وابسته) حزب نام نهاد خلق ادعا مي كند .

مستضعفين جامعه افغانستان نيروهاي اصلي انقلابي را تشكيل ميدهند ، تضادي كه در سالهاي قبل ، بين فيودالان و سرمايه داران از يك سو ، وخلق مستضعف از سوي ديگروجود داشت هم اكنون نيز در نهاد استثماري اش تغيير ي حاصل نشده است .

پس تضاد اصلي جامعه بين مستضعفين (كارگران دهقانان)وطبقه

---

(۱) البته خوانند گان متوجه هستند كه مضمون فوق درسال ۱۳۵۸ نوشته شده بود .

ارباب ، مالك وتجاردلال (سکتور دولتي وسکتور خصوصي)
وابسته است .

راه حل تضاد هاو شیوه مبارزه :

بابینش مکتبي حل بسیاري از تضاد هاي زمان ما در رسیدن به جامعه ایده آل وانسان ایده آل میسر است ودر زمان کنوني به شکل نفي نظام طبقاتي ونفي استثمار ، ادامه دارد ، حل تضاد هاي طبقاتي جامعه ، نیز از راه مبارزه ، بانهاد هاي استثمار گران داخلي و خارجي میسر است . بنابه پیچیدگي مسائل جهان ، امپریالیزم ووجود ریفورمیسم بنام مارکسیزم در جهان وافغانستان و... از یکسو وتکامل انسان وعلم مبارزه ، صحیح ترین شیوه مبارزه را به عنوان رسالت انسان طر از مکتب چنین بیان میکنیم :

مبارزه ي ، مکتبي – تشکیلاتي ، سیاسي ، مسلحانه ، حرفه اي ودریك کلام « جهاد خلق » تکامل یافته ترین شیوه مبارزه در عصر حاضر است .

پایدار باد مبارزات خلقهاي مستضعف جهان

پیروز باد جهاد خلق مستضعف افغانستان !

– مجاهدین مستضعفین افغانستان

حدي ۱۳۵۸



برادرمحمد محسن رضائی درسال ۱۳۳۰ درجمال مینه کابل ، در
یك فامیل مؤمن تولدو پرورش یافت ۰در سال ۱۳۵۰ ازلیسه تخنیك
ثانوی ودر سال ۱۳۵۶ ازپوهنحی انجنیری کابل در درجه عالی فارغ
گردید۰ وسپس در همان پوهنحی بحیث استاد،ایفای وظیفه کرد
دربرج اسد۱۳۵۸ ازجانب باندخلق ،باچندتن ازاستادان آزادیخواه
دیگر، دستگیرشدندو ازهمان زمان تاکنون مفقودا لاثر میباشـد۰

یادشان گرامی و آرمان شان پیـــروز بـاد



مجاهد شهيد احمد فريد رستمي

مجاهد شهید احمد فرید رستمي

از بنیان گزاران ، عضو شوراي مرکزي وعضو گروه تدوین ایدئولوژي ، سازمان مجاهد ین مستضعفین افغانستان ،

مجاهدشهید رستمي در سال ۱۳۲۹ درقلعه فتوح کابل ، متولد شد ،در سال ۱۳٤۹ از لیسه غازي ودر سال ۱۳۵۳ از فاکولته سیانس پوهنتون کابل فارغ گردید . او در مکاتب کابل ایفاي وظیفه میکرد ، برادر فرید از چهره هاي شناخته شده ومبارزین برجسته آن زمان بود ، بنابر این ، درزمان داود خائن و بعد ذوره حکومت ! حزب نام نهاد خلق ، اکثر اوقات مجبور بود بطور مخفي زندگي نماید . شهید فرید در ۲۷ ثور ۱۳۵۸ درنیمه هاي شب ، همراه باپدر مبارز وسه برادر جوانش دستگیر شدند وازآن به بعد مفقود الاثر مي باشند ٠

جاوید با دخاطرات تابناکش وپیروز باد رهروان راهش .





مجاهد شهید سید هاشم وثیق

مجاهد شهید سید هاشم «وثیق»

عضو سازمان مجاهدین مستضعفین افغانستان ، قوماندان واحد هاي عملياتي ، معلم نظامي ،ليسانس رشته توپچي حربي پوهنتون کابل

شهید وثیق در سال ۱۳۳۰هـ ش ، درقریه ي دره علي يکاولنگ مربوط ولايت باميان ، متولد شد ، در سال ۱۳۵۵ از حربي پوهنتون فارغ التحصيل شد ودر غند توپچي فرقه ريشخور ، ايفاي وظيفه ميکرد در سال ۱۳۵۷ بتاريخ ۱۱ دلو ، از سوي حکومت تره کي دستگير شد بعداز آزادي از زندان به ايران هجرت کرد ودر سال ۱۳۶۰ و ۶۱ ضمن آموز شهاي نظامي يارانش در چند ین عمليات نظامي شرکت کرد ودر ۵ میزان ۱۳۶۱ به اثر توطئه عدۀ ي جنايت کار ومزدوران اجنبي منسوب به شوراي اتفاق همراه دو تن از همرزمانش در منطقه شهیدان باميان به شهادت رسید .

انالله واناالیه راجعون

همانطوريكه ، نمي توان ، ترك سجده وركوع در نماز كرد ، در مورد مسئوليت اجتماعي نيز نمي توان بي تفاوت بود .

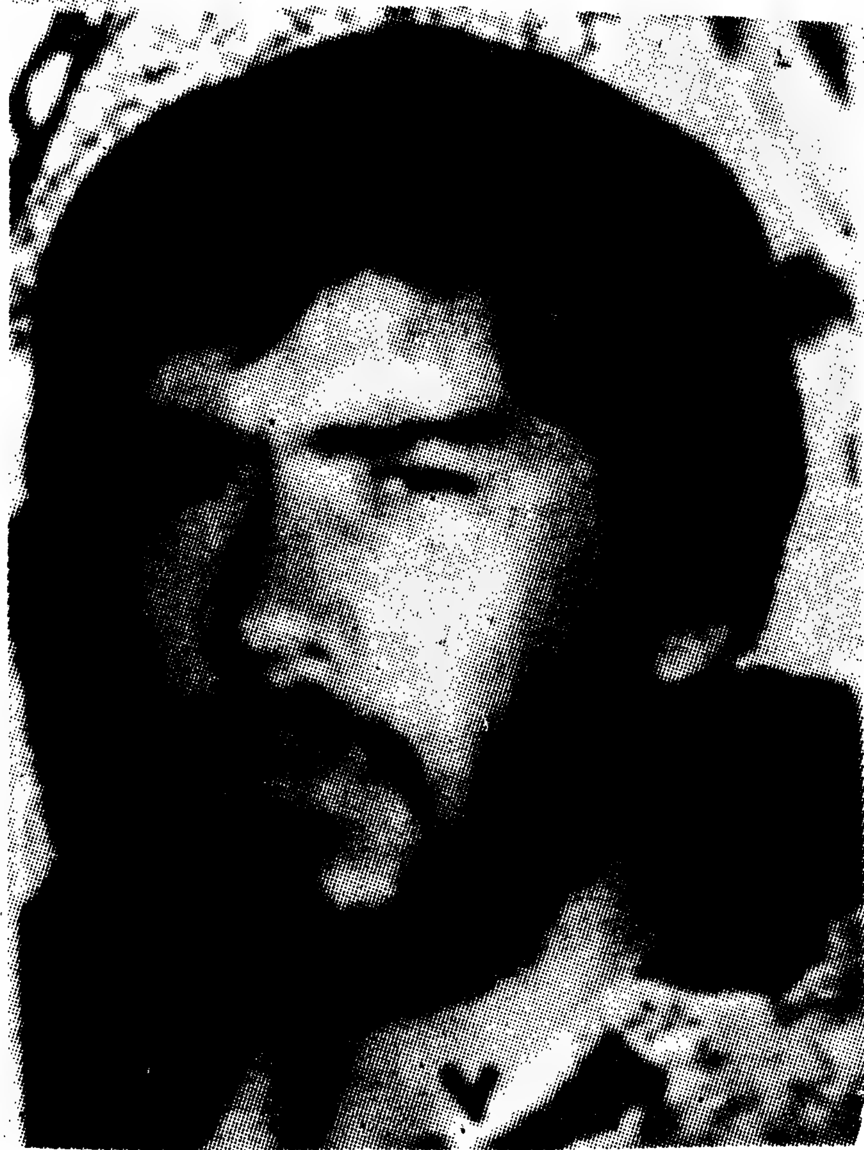
لحن بيان وتقدم وتأخري كه در آيه فوق به ملاحظه ميرسد (امر بمعروف ونهي از منكر) حقيقت با ارزشي را بيان ميدارد كه : اين ركن از اركان ايدئولوژي اسلام ، بيشتر جنبه سازندگي وايجابي دارد و براي تأمين ، اين هدف عالي است كه اصل ساليه ونفي كننده نهي از منكر براي درهم كوبيدن كليه موجبات سكون وسكوت وعوامل انحراف زا وسد كننده اجتماعي به ادامه آن آمده است .

عوامل انحراف زاوسد كننده اجتماعي ، درشرايط زماني ومكاني متفاوت ، اشكال وانواع گوناگون وپيچيده داشته وپيوسته تغيير شكل وصورت ميدهد . از اين رو شيوه برخورد خاص ، در ايدئولوژي اسلام به مشاهده ميرسد ، كه باتوسل بدان ، مي توان عوامل انحراف اجتماعي را به درستي ، شناسائي كرد ، وطرز وروش برخورد با آنها را در يافت به طور مثال پيام يكي از سفراي اسلام به اين محتوا بيان شده : « آمده ايم تاانسانها راز بندگي غير خدا آزاد سازيم وبه بندگي خداي واحد (الله) باز آوريم (۱) »

براي تطبيق اين خط مشي كلي ودر از مدت ، در طي زمانه ها واعصار متفاوت شناخت وكشف شرايط وعواملي كه انسان را به بندگي غير خدا ميكشاند نيز لازم است واز آنجائيكه اسلام بحيث يك دين هميشگي به بشر ، عرضه شده ، طرز وشيوه برخورد آن ،

---

(۱) فرستاده مسلمانان در برابر لشكر ايران

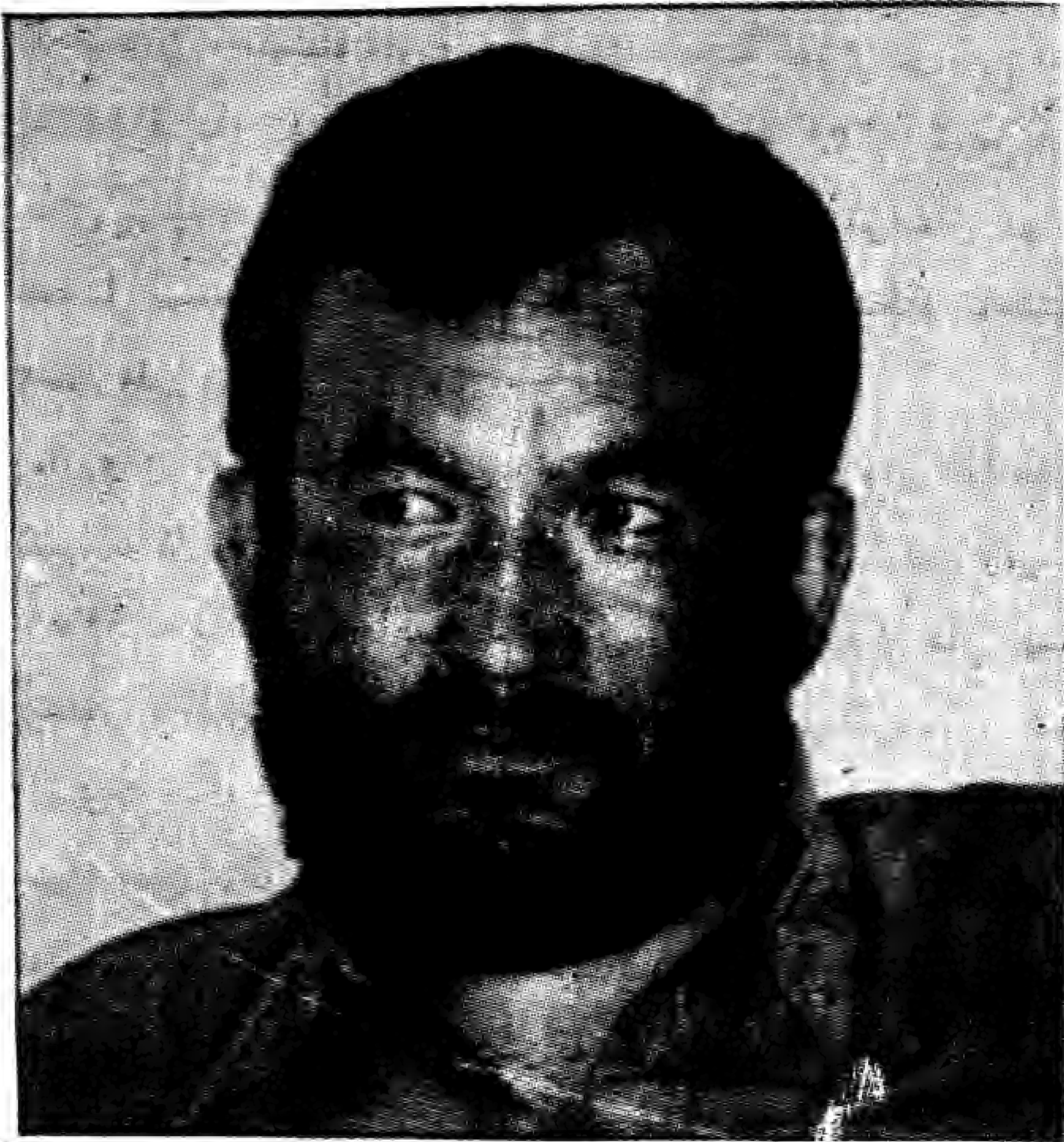


مجاهد شهید علیشاه داوري

مجاهد شهید علیشاه داوري

عضو ویکي از کادر هاي ورزیده سازمان مجاهدین مستضعفین افغانستان ، علیشاه داوري در خانواده نسبتاً فقیري در سوم میزان ۱۳۳۷ هـ در شهر کابل متولد شده ودر سال ۱۳۵۱ شامل لیسه غازي گردید ، به نسبت فقر اقتصادي ومریضي پدرش بعداز دو سال تحصیل لیسه را ترك کرد وبه حیث مأمور در دستگاه ساختماني هلمند مقرر شد .

داوري در دوره سیاه تره کي ، به ایران هجرت کرد ودر آنجا علاقه شدید به کار هاي سیاسي وجهاد در مقابل متجاوزین گرفت ودر سال ۱۳۵۹ به سازمان مجاهدین م . ا پیوسته ودر سنگر هاي بهسود وپغمان به مبارزه ادامه داد ، اوحماسه هاي زیادي آفرید .... شهید داوري در سال ۱۳۶۱ با همرزمانش به سوي بامیان هجرت کردند ودر سنبله همین سال به ابتکار این شهید مجاهد ، کمین روسها در هم شکست ، سرانجام به تاریخ ۲۷ حوت ۶۱ در اثر زخم ناشي از نبرد فتح پسته نزدیك شفاخانه با میان به مقام شهادت نایل شد ، روحش شادو راهش پر رهروباد .



مجاهد شهيد سيد چمن احمدي

مجاهد شهید سید چمن احمدي

عضووکادر بر جسته نظامي سازمان مجاهدین مستضعفین افغانستان وقوماندا ن گروپ جبهه آزادي بخش « اوني » (خط مقدم جبهه بهسود ، در سالهاي ۵۸- ۱۳۵۹ ویکي از سرگروپ هاي جبهه مستضعفین بامیان .

سید چمن فرزند سید اسحاق ، متولد در قریه « سیازمین » « ني قلعه » ولسوالي قره باغ ولایت غزني . مجاهد قهرمان احمد ي قبل از سال ۱۳۵۷ جذب سازمان مجاهدین ، م .ا شده بود ودر سال ۱۳۵۸ به سرپرستي گروپ « جبهه آزادیبخش انقلاب اسلامي افغانستان » در منطقه اوني بهسود تعیین گردید ، با اینکه شهید احمدي از این منطقه نبود ولي دراثر لیاقت ، شجاعت ومردم داري وموفقیت هاي نظامي اش مردم بهسوداحترام خاصي به اوقایل شدند . شهید احمدي بتاریخ ۲۹ جوزا ۱۳٦۰ توسط شیخ اکبري ابتداء به صرف چاي دعوت وسپس دستگیر گردید ومدت یك سال درزندان قرون وسطائي شوراي نفاق به سربرد وبه تاریخ ۱۸حمل ٦۱ از زندان رهاوطي استقبال خاصي ازطرف مردم بهسود ، دوباره به فعالیت هایش آغاز کرد این مجاهد والا مقام به تاریخ ٦٤/۳/۲ طي عملیات فتح پسته جگره خیل در بامیان تحت فرماندهي خودش به اثر گلوله دشمن زخمي وبه مقام شهادت نایل شد .



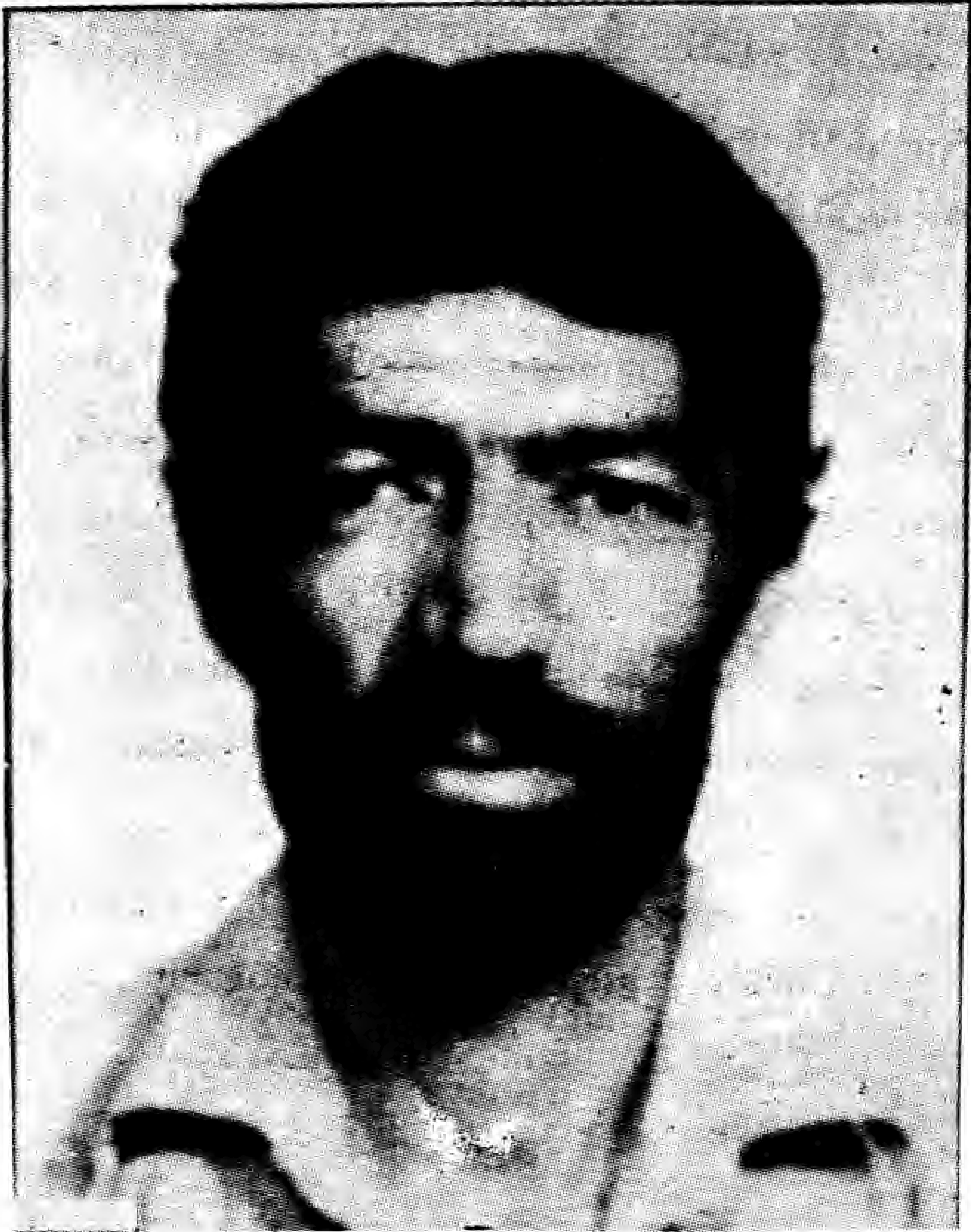
مجاهد شهید سید عبدالقیوم پیام

مجاهد شهید سید عبدالقیوم پیام

عضو ورزیده ي جبهه مستضعفین افغانستان :

مولوي سید عبدالقیوم « پیام » فرزند سید عبدالقادر ، در قریه « سنگ آتش » ولسوالي فرخارولایت تخار ، دریك خانواده ي نسبتاً فقیر به دنیا آمد و صنف ۱۱ را ، در مدرسه اسدیه مزارشریف وبعد در لیسه تخارستان قندوزدوره ي مکتب رابه اتمام رسانید .

تاسال ۱۳۵۹ مسئول‌عمومی جمعیت در ایـران بود، درسال ۱۳۵۹ باجمعي از همرزمانش « سازمان ازادیبخش اسلامي افغانستان »(الحدید) را به وجود آوردند ودر سال ۱۳۶۲ بعداز جمعبندي کار هاي خود ، فعالیت هاي شانرا تحت عنوان الحدید متوقف نمودند ، شهید پیام به جهبه مستضعفین بامیان پیوست ، در سال ۱۳۶۳ مدت چندین ماه در حالیکه جبهه مستضعفین درگیریهاي شدید ي با دشمنان انقلاب داشت ، دوشادوش برادرانش در سنگرهاي بامیان به مبارزه اش ادامه داد ، مبلغ متعهد ومجاهد شهید مولوي پیام دریکي از عملیات با چند تن از یارانش درمنطقه « قچي » قندوز به محاصره دشمن روسي در آمدند ، تا آخرین گلوله برضد دشمن متجاوز جنگیدند ودر این نبرد (تابستان ۱۳۶۳) به درجه شهادت نایل شدند ، انالله وانا الیه راجعون .



مجاهد شهید سید موسی علیپور

مجاهد شهيد سيد موسي عليپور(غفوري)

از بنيان گزاران وعضو ، شوراي مركزي سازمان مجاهدين مستضعفين شهيد علي پور فرزند سيد علي ميرزا ، در سال ۱۳۲۶ در يك خانواده مذهبي ومبارز تولد وپرورش يافت ، در سال ۱۳۵٤ از پوهنحيُ سيانس پوهنتون كابل فارغ گرديد ، از سال ٥٤ تا ٥٧ درليسه نادريه وبعد در ليسه غازي به حيث معلم رياضي تدريس ميكرد ، مجاهد شهيد غفوري همرزم مجاهد شهيد احمد فريد رستمي وتعداد ديگري از يارانش ، جزء گروه مجاهدين ملي بود كه از سال ٥٣ به بعد در جهت مبارزه مسلحانه گام بر ميداشتند .

شهيد علي پور ، ازسال ۱۳٥۹بعداز ائتلاف گروههاي سياسي در ايران بنام « جبهه آزادي بخش انقلاب اسلامي افغانستان » سرپرست كل نيروهاي نظامي مناطق هزاره جات افغانستان انتخاب شد و .... شهيد علي پور به تاريخ ۲٤ جوزا - ۱۳٦۷ در منطقه دهن غوري ولايت بغلان ، طي يك عمليات در فتح يكي از پوسته هاي دولت مزدور مورد اصابت مرمي دشمن قرار گرفت وبه مقام شهادت نايل شد . روحش شاد وخاطراتش جاويدان باد !

استراتژي واصول علمي جهاددر افغانستان

جزوه فوق درسال ٦٦ با جمع بندي ٨ سال مبارزه مسلحانه رویا روي با دشمن در افغانستان تدوین گردید ومنتشر شد . درصفحات بعدي خلاصه اي از این جزوه را میخوانید .

اصول استراتژي یك جنبش :

١- جنگ یك پدیده ي اجتماعي وقانومند است :

اگر سیر تحول وتكامل ، جامعه بشري را ، مورد مطالعه قرار دهیم خواهیم دید كه جنگ در بین جوامع بشري یك پدیده ي ، تاریخي بوده وبه اساس تضاد منافع طبقات انساني به وجود میآید ، تضاد منافع در بین اقشار وطبقات انساني سبب بر خورد مسلحانه وجنگ مي شود وتنها را ه براي ریشه كن شدن جنگ در جوامع ، بر قراري عدالت اجتماعي است ، واضح تر بگوئیم با از بین رفتن ، استثمار ، در جامعه بشري جنگ نیز از بین خواهد رفت ، ودیگر نیازي به استعمال زور وقوت نخواهد بود . اگر به دوران استعمار انگلیس وتجاوز آن به افغانستان نگاه كنیم ، خواهیم دید كه انگلیسها درابتداء با ساختن یك كمپني تجارتي در بنگال تجاوز خود را به هند واز آنجا به افغانستان آغاز نمود .

انگلیس ها در ظاهر به نام تجارت وروابط نیك ، شروع به استثمار مردم هند نموده ، آهسته آهسته در ظرف دوصد سال وطي دهها جنگ

خونین وکشتار ،هزاران انسان ، کشور هند را اشغال نمود .

بعداز آن توسط ایجاد تفرقه وخانه جنگي درافغانستان توانست شاه زمان ، پادشاه آنوقت را توسط محمد زایي ها ، ازبین ببرد وبعد ، تهاجم خود را درافغانستان شروع نماید .

از آغاز تجاوز ، انگلیس در هند که در زمان احمد شاه ابدالي صورت گرفت تا اشغال افغانستان ۲۳۹ سال گذشت ، انگلیس ها حدود ۸۰ سال افغانستان را در دست داشتند ، سه سال نبرد ، بزرگ وعمومي ده ها قیام کوچك ومحلي ، علیه انگلیس ها به وقوع پیوست سرانجام با فداکاریها وجانبازي مردم افغانستان در طي ۸۰ سال انگلیسها از افغانستان بیرون رانده شدند .

توطئه ها ودسیسه هاي آنان به صورت پنهان تامدتها بعد از استقلال نیز ادامه داشت ، از این مختصر چنین میفهمیم که تجاوز ، قدرتهاي بزرگ به کشور کوچك یك پدیده اي جدا ، از مسائل سیاسي اجتماعي واستثمار نیست .

پلان هاي طویل المدت ، سیاست هاي آشکار وپنهان زیادي به کار گرفته مي شود تا در نهایت به تجاوز واشغال یك سرزمین میانجامد .

تجاوز ، روس ها در افغانستان ، آنطوریکه نوکران شان ادعا مي کنند به اثر تقاضاي کمیته مرکزي دست نشانده وتوافق سال ۱۳۵۷ نیست بلکه روسها مخصوصاً از چهل سال قبل سرگرم طرح پلانها وساختن پرسونل براي اجراي این مقاصد بودند که در نهایت به تجاوز آشکار سال ۱۳۵۸ روس ها در افغانستان انجامید .

با پدیده هاي اجتماعي نیز اساسي وزیر بنایي است ، پدیده هاي اجتماعي چه سد کننده وانحرافي وچه سازنده ومتحرك ، در مسیر حرکت انسان در زمان پیوسته ، باحفظ هویت خویش تغییر شکل میدهد ، در ظاهر چنان عرض وجود مي کند که گوئي از ، زیر بناء تغییر یافته است ، مثلاً : استثمار ، با اینکه بکلي از بین نرفته ، همواره تغییر شکل داده است .

کشف وشناخت این عوامل زیر بنائي باصورتهاي متفاوت آن ، درمسیر حرکت انسان در زمان ، برخورد هاي متنوع را ایجاب مي نماید ، که از مشخصات بارز ایدئولوژي اسلام ویکي از دلائل جاویدانگي این مکتب فکري است لذا ، در شرایط حاکمیت طاغوت وتسلط نظام اقتصادي ، سیاسي وفرهنگي شرك که خود یك سیستم است ، مبارزه گسترده اجتماعي (امر به معروف ونهي از منکر) درشکل ویژه « جهاد - قتال » تبارز مي کند ، زیرا که مبارزات اجتماعي بازتاب از شرایط عیني جامعه است .

از تحقیق وارزیابي دقیق آیات ، جهاد - قتال ، با درنظر داشت شان نزول نها ، بر میآید که در آیات جهاد هیچ گاه وبه هیچ صورت ممنوعیت زماني ومکاني قید نگردیده ، اما در آیات قتال ممنوعیت زماني ومکاني مثل (شهر الحرام - مسجد الحرام) علاوه بر تحدید (لا تعتدوا) قید گردیده است .

همچنان در تمام آیاتیکه موضوع « جهاد - قتال » ذکر شده است قبل از آن سخن از ایمان وهجرت به میان آمده است ، این حقایق نشان میدهد که جهاد به آن بخش از مبارزات گسترده ي اجتماعي اطلاق

شرایط اجتماعي ، فقر ، بي سوادي ، ظلم واستبداد رژیم هاي گذشته ، عواملي است که تجاوز روس در افغانستان را زمینه سازي نموده ، است . اگر جامعه از عدالت اجتماعي برخوردار مي بود وسواد وفرهنگ وشعور ، سیاسي مردم به اثر عدالت ودموکراسي رشد میکرد هر گز چند نفر مزدور خود فروخته ، همراه با باداران روسي شان نمي توانستند ، کشور ما را ، ویرانه وملت مارا ، آواره سازند .

امروز نیز ، اگر سطح زندگي مردم بالا نرود وعلیه جهل وبیسوادي ودر جهت بالا رفتن شعور سیاسي مردم تلاش نشود نخواهیم توانست که روس ها رادر عرصه نظامي شکست دهیم (۱)

نظم ودسپلین وکیفیت نظامي مردم با ، آگاهي ، روحیه ووضع اقتصادي جامعه ، رابطه مستقیم دارد ، یك اردوي منظم ، باید پشت جبهه مستحکم داشته باشد تا تمام کمبود هاي آنرا بر آورده نماید . در مقابل تجاوز ، همه جانبه روسها در افغانستان ، باید بلانهار

اقدامات همگاني وعمومي وجود داشته باشد نابتوانیم در تمام زمینه ها مقابله کنیم .

دفاع محلي از کیفیت وتوان لازم براي مقابله با تهاجم بر خوردار نیست . این بر آورد که جنگ یك پدیده صرفاً تخنیکي وناشي از

---

(۱) این نوشته قبل از خروج نیروهاي نظامي روس منتشر شده بود ، البته بن بست سیاسي اکثر گروهاي موجود ، نشان دهنده این است که بدون رشد فرهنگ مستقل وغیروابسته وایجاد نظم سیاسي ، نظامي لازم ، نمي توان به آزادي دست یافت .

برخورد ، دو جناح متخاصم است ، اشتباه مي باشد ، اگر جنگ يك
پديده تخنيكي وبر خورد سطحي مي بود در اين هشت سال كه شاهد
صد ها وهزاران درگيريهاي خورد وبزرگ در افغانستان هستيم ، بايد
نتيجه آن معلوم مي شد ، باوجود حملات وفشارهاي مختلف
وتلاشهاي بي نتيجه اي ، روس ها به اين نكته اي ، مهم ، پي ميبريم
كه اگر جنگ تنها بر خورد ، نظامي استفاده از ماشين جنگي مي بود
بايد با اين همه ضعف تسليحاتي مردم وقدرت روسيه ، جنگ به
نفع روسها ختم مي شد ، وقتيكه مي بينم ، هنوز مقاومت مردم
ادامه دارد ، بايد درصدد كشف وتقوينه ي عللي شويم كه مردم ما
به وسيله آن تاحال توانسته اند در مقابل تجاوز ، روس مقاومت نمايند

۲/ تنها جنبش غيرو ابسته به پيروزي ميرسد :

وابستگي به اين معنا است كه ما از نكاه فكر وپلان وامكانات
مادي،به ، كشورها ومنابع خارجي تكيه داشته باشيم ، هر تغيير
وتحولي كه در جامعه به وجود ميآيد وابسته به كيفيت وعلل دروني
جامعه است ، شرايط خارجي نقش ثانوي ومشروط دارد ، اگر ،ما، به
اين فكر باشيم كه امكانات وپلانهاي خارجي مارا به پيروزي
ميرساند وخود در صدد تغيير شرايط وطرح پلان وايجاد امكانات
نشويم ، چنين طرز فكر ، مشابه وهمانند طرز فكر نوكران روسها
است مگر نوكران روس نمي گويند كه با اتكاء به « دوست بزرگ »
و« كمك هاي انترناسيوناليستي » ميخواهيم جامعه شگوفا بسازيم
. اگر پلان وامكانات خارجي بتواند ، جمعي را به پيروزي بر ساند

خود فروختگان ونوکران روس ، شانس بیشتري خواهند داشت ، چون با توجه به امکانات ونزدیکي روسها به افغانستان هیچ قدرت دیگري نمي تواند از نگاه سهولتي که روسها در به کار گرفتن امکانات دارند با آنان رقابت نمایند .

حقیقت این است ، همانطوریکه وطن فروشان در این هشت سال نه توانستند با تکیه برمنابع وپلان هاي روسي وامکانات وتسلیحات آن پیروزیي بدست آورند ، هیچ گروه وتشکل دیگري نیز نخواهد توانست با تکیه به پلانها وامکانات خارجي وطن را آزاد نماید .

البته وطن ما که مورد تجاوز وحشي ترین وخونخوار ترین ارتش ها قرار گرفته است ، ماحق داریم که درمقابل وحشي گریها وجنایات روس ونوکران آن با چنگ ودندان ، از شرف وحیثیت خود دفاع نمائیم . وکمك هاي که مردم جهان در مقابل ظلم وستم وارده بر ملت مامي نمایند مردم ما حق دارند ، آنرا براي به دست آوردن آزادي واعاده حیثیت خود بکار گیرند اما هیچ کس حق ندارد که قیام عمومي مردم ، فداکاریها وخون هاي شهداء را ، نادیده گرفته واز طرق شخصي وپنهاني به نام ملت ، به بند وبست هاي اسارت باردست بزند .

وابستگي کدام زنجیر قابل لمس نیست تا آنرا به چشم ببینم ، هرگاه ما ، کیفیت به کارگیري وهماهنگ کننده ي امکانات را باشرایط نداشته باشیم ، عملاً به وابستگي دچار خواهیم بود ، اگر در مقابل طرح هاي خارجي ، از خود طرح نداشته باشیم ، اگر در مقابل پلان هاي مختلف دولت از خود پلان نداشه باشیم واگر کیفیت

استفاده ومانور ازسلاح وامکانات خود را نداشه باشیم ، به وابستگي دچار هستیم مابايد طرح ها وپلان هاي عملي براي آينده جنبش داشته باشیم ، تا آنرا از خطر نابودي نجات دهيم .

چنانچه قبلاً ذکر شد ، رشد یك جامعه ، منوط به رشد کیفي انسانهاي همان جامعه است ، وفقط رشد دروني جامعه است که باعث استقلال وتأمين آزادي وبرابري خواهد شد . وابستگي به نیروهاي خارجي درست خلاف رشد وتکامل جامعه بوده وبه بيان واضح تر ، ابتکار وخلاقيت آن جامعه را نابود مي کند ، هرقدريك جنبش از نظر مادي ومعنوي به خارج وابسته باشد به همان اندازه شکست و پیروزي آن بدست نيروي خارجي است ، به اين ترتيب جنبش وابسته در نهايت فداي سازش وسیاست کشور ها وقدرت بزرگ جهان خواهد شد شکست قدم به قدم نيروهاي وابسته وسازش ابرقدرتها ، روي قضيه كشور ما ، گواه زنده بر مطالب فوق است .

جنبش هاي وابسته که به اثر تغيير شرايط سياسي كشور هاي همسايه از بين رفته ويا به ضعف کشانده شده ، چه در کشورهاي اسلامي وغير آن بسياز ، بوده اند .

۳/ تنها جنگ توده اي ودرازمدت به پيروزي ميرسد :

گذشت چند سال جنگ نشان داد که پيروزي تنها در يك جنگ طويل المدت امکان دارد ، عللي که پيروزي را ، در جنگ طويل المدت نشان ميدهد عبارت انداز :

موقعيت جغرافيايي (مملكت كوهستاني باراههاي نامناسب براي اردوي منظم ، موقعيت اجتماعي ، مثل ، مذهب وقوم ، لسا ن و .) تضاد مردم با روس ها ، کمك همسايگان وکشور هاي ديگر ،

عادلانه بودن جنگ .

تجربه ي ما وهمچنان کشور هاي ديگر نشان داده است وقتي که همه ی مردم به پامي خيزند ، هر قدرتي را به هر اندازه که نيرومند هم باشد ،مي تواند از پا در آورند ، در اين چند سال معلوم شد که وقتي همه یٔ مردم قيام کنند ، ابتدائي ترين سلاحها وحتي سنگ وکلوخ وکارد ، کافي است تا در برابر نيرومند ترين ارتشها ، مقاومت نمايند

مردم براي آرمانهاي عادالانه وبرحق و آزادي خود که همانارهايي از چنگال روسها ونوکران است مي جنگند ، درحاليکه روس ها ونوکران آن براي به اسارت کشيدن مردم وغارت وچپاول پيکار مي کنند حقانيت مبارزه ما وغير عاد لانه بودن اهداف دشمنان منجر به اين مي شود که ماهر روز با روحيه عالي وجدي تر ، براي بدست آوردن آرمانهاي خود تلاش کنيم ، در حاليکه دشمن بر عکس ، هر روز ضعيف تر و بي روحيه تر مي شود ، هيچ نيروي نمي تواند که انسان رابراي اهداف غيرانساني بطور هميشه زير ستم قرار دهد .

نظام اجباري گسيل سربازكه از طرف نوكران روس درين چند سال اعمال مي شود ، وتلاش وكوشش بيش از حد دولت وابسته براي جمع آوري عسكر هر روز به شكست تازه مي انجامد فرار از خدمت اجنبي هر روز بيش تر شده واين مسئله امروز تاجدي حادشد كه هيچ جلسه ومجلس حزبي وطن فروشان نيست كه در آن راجع به سرباز گيري بحث نشود.

جنگ مردمي به اين مفهوم است كه وظيفه هر مرد وزن افغاني درچنين لحظاتي ، به هر صورت ممكن وارد نمودن خساره به دشمن است مهم ترين ،وظيفه اين است كه يا مستقيماً درجبهات جهاد سهم بيگيريم ويا در هر جا وهر موقعيتي كه هستيم از جبهات جهاد پشتيباني فعال نمائيم ، بدون اين دو وظيفه هر كار ديگر به منزله ناديده گرفتهن آرمانهاي مردم است.

ما از نگاه تجهيزات وتسليحات هرگز به پايه ي روسيه نخواهيم رسيد . اما روسها ونوكران آن ، نيز هر گز به پشتيباني مردم دست نخواهد يافت اين مسئله ثابت مي كند كه ما بايد ، روش جنگ ودفاع مردمي راهميشه به كار بنديم ، فكر اينكه ما ، با تجهيزات بر تر مي توانيم دشمن را شكست بدهيم اشتباه است ، چون ماaz نگاه كيفيت وكميت تجهيزات ، هرگزبا روسها رقابت نمي توانيم ، اما ، ما مي توانيم ، دشمنان خود رادر آتش خشم توده ها بسوزانيم ، مامي توانيم با استفاده از وسايل ابتدائي اما در مقياس وسيع ومردمي تلفات ناگواري را بر دشن تحميل كنيم . براي جبهات ما پشتيباني مردم منحيث يك سر چشمه ي بي پايان است ، كمبود نفر ، كمبود

تداركات وروحيه فداكاري ورزمندگي ، هميشه از منبع بي پايان توده ها ، بر آورده مي شود ، كارسياسي توده اي وبالا بردن دانش نظامي وسياسي مردم را نيز بايد درنظر داشته باشيم يك ملت آگاه ومتشكل راهيچ نيرويي در جهان نمي تواند به زانو ، در آورد .

طويل المدت بودن جنگ به مفهوم تنبلي وبيكاركي نيست به اين مفهوم نيست كه فكر كنيم براي انقلاب وقت زياد ، داريم ، بگذارديگران بجنگند ، باز مادر آخر خواهيم جنگيد ، طويل المدت بودن جنگ به اين مفهوم است كه هرروز بلائي تازه ومصيبت جديدي را به دشمن وارد كنيم ،

هزاران شكست كوچك اما در پيمانه وسيع بردشمن تحميل كنيم ، تا در ، زير بار اين همه مصائب كمر خم نموده شكسته شود ،

امروز در حدود ، دوهزار جبهه نظامي خوردوبزرگ ودر حدود دو صد هزار مجاهد مسلح در سنگر ها وجود دارد ، در پشت اين جبهات مليونها زن ومرد ديگر ، براي پشتباني ، ايستاده اند ، اگر فرض كنيم كه روسها ، روز يك جبهه را بكلي نابود كنند (كه محال است) شش سال وقت لازم خواهد بود ، تا مقاومت مردم را ، در هم بشكنند

بر فرض اينكه هرجبهه روز يك نفر از دشمن را ،از پا در آورد كه كاري چندان مشكلي نيست هر روز دو هزار دشمن كه تقريباً يك فرقه جنگي مي شود از پاي ميافتند .

چنين تلفاتي را ، هيچ اردوي نمي تواند ، در يك روز بر دشمن وارد ، آورد ،از اين مثال مفهوم جنگ توده اي بهتر روشن مي شود جنگ در از مدت خود باعث مي شود تاانسانهاي جامعه روي مبارزه

جدي شده وكيفيت و آگاهي وتجربه شان با لا برود ، درحاليكه هرقدر مبارزه وجهاد طولاني شود به ضرردشمن تمام شده در نهايت دشمن مجبور مي شود از پلاني كه هميشه بضررش تمام شود منصرف گردد

از اين جهت ما بايد تدابير جدي براي ادامه مبارزه ، راه حل هاي مناسب براي تأمين منابع انساني ومادي جنگ راپيدا نمائيم ، تابه پاي خود ، استوار بوده ، مبارزه را ده ها سال ادامه دهيم (١)

٤/ تنها جنبش انقلابي مي تواند جنگ رابه پيروزي بر ساند :

همانطوريكه در صفحات قبل گفته شد ، جنگ تنها يك برخورد صرفاً نظامي وتخنيكي بادشمن نيست ، اگر يك جنبش در قبال خود آرمانهاي عادلانه نداشته باشد محكوم به شكست است ، هيچ برخورد نظامي بيش از مدتي دوام نمي آورد ، تنها آرمانهاي عادلانه وبرحق است

كه انسانها براي بدست آوردن آن ، سالها ونسل ها تلاش مي كنند ، ادامه جنگ در مقابل تجاوز روس ، بدون مطرح كردن آرمانهاي انساني وبدون مطرح كردن چشم اندازهاي بالاتر از آنچه روس ها ونوكران آن ادعا ميكنند ، ممكن نيست تنها احساسات وشجاعت نمي تواند پيروزي براي ما به ارمغان آورد ، آگاهي مردم به حقانيت مبارزه وتلاش براي جامعه بهتر وشگوفا است كه مي تواند ، از ترديد

---

(١) خروج قواي نظامي روس واعتراف رهبران شوروي به شكست نظامي – سياسي در جنگ توده اي افغانستان وتأثير آن روي جامعه ي شوروي يك بار ديگر صحت اين اصل مبارزه را تأئيد كرد .

ها و شکست ها جلوگیري کند . یك جنبش نیرومند ، بدون یك پشت جبهه مستحکم وآگاه وبدون یك تشکیلات منظم نمي تواند وجود داشته باشد . چنانچه بدون یك ایدئولوژي انقلابي وآرمانهاي انساني وانقلابي هیچ تشکیلات منظم نمي تواند به وجود بیاید .

از آنجائیکه سیر تحول جوامع بشري بسوي نفي استثمار است فقط جریان هماهنگ با تکامل جامعه ي بشري وجنبشي که راه حل هاي واقعي براي از بین بردن تضاد هاي اصلي جامعه داشته باشد مي تواند به پیروزي برسد ، از آنجاي که نظم وهماهنگي لازمه ي پیروزي یك جنبش است ، تنها جریان انقلابي است که نظم وسازماندهي پیشرفته را بوجود آورده ودر نهایت قادر مي شود دشمن را شکست دهد .

راه حل انقلابي جنگ یا استراتژي پیروز مندانه جنبش افغانستان :

از نظر علمي اولین مرحله جنگ ما ، به وجود آمدن گروپهاي است که در روابط قومي ومنطقه اي محصور نمانده ودر نبرد رویا روي کیفیت لازم ضربه زدن به دشمن وزنده ماندن خود را کسب نمایند .

مرحله ي بعدي زماني است که چنین گروپهاي میتوانند بامقاومت سنجیده وعلمي باعث شکست تهاجم دشمن در مناطق آزاد شوند ، یا چنان تلفات وخسارات به دشمن وارد آورند که دشمن نا چار به عقب نشیني از مناطق مورد ، تهاجم بشوند .

در این مرحله هماهنگي نیروهاي پشت جبهه با جبهه به صورت

منظم وتشکل یافته آن سازمان دهي خواهد شد ،مردم بادفاع مردمي و جبهات خود کفاء دشمن رابه ستوه خواهند آورد ، امکان زندگي دشمن در واحد هاي کوچك وجدا از هم ازبین خواهد رفت .

باالاخره آخرین مرحله زماني خواهد بود که واحد هاي تشکل یافته و منظم انقلابیون توان نابودي قواي منظم دشمن راداشته باشند .

حملات تهاجمي وسیع ونابود کننده بالاي مراکز ومحل هاي استقرار دشمن در این مرحله انجام خواهد شد.

دراین وقت است که باطرح پلانهاي بزرگ واستراتژیك اتحاد نیروها که از دانش وتجربه ي کافي بر خورد ار اند صورت خواهد گرفت چنین است آینده ومراحل جنگ از نظر ما با توجه به واقعیت هاي جامعه ماو تجارب در ، دیگرکشور ها ،آینده جنگ ورهبري جامعه به نیروهاي تعلق خواهد گرفت که بتواند مراحل جنگ را با موفقیت طي نموده باشد ،پیروزي در پرتو دفاع مسلحانه ي خلق ما نهفته است ، نه در مذاکرات ودیپلوماسي کشورهاي خارج ، هرگونه مذاکره ي ثمر بخش اگر متصور باشد بعداز تغییر توازن قوا به نفع مجاهدین عملي خواهد شد .

مارا ه پرپیچ وخم ودرازي راجهت آزادي کشور از چنگال متجاوز روس در پیش داریم مردم ما با مبارزه ي ،قانونمند ، مستقل ، در از مدت وانقلابي خود مي توانند کشور را آزاد نمایند ، ولي مبارزه ادامه داشته و پایاني ندارد ، ساختن جامعه اسلامي - انقلابي که برپایه آزادي (برقراري آزادي عقیده وبیان ، تأمین حقوق اجتماعي مساوي براي همه ، اعم از زن ومرد ، ازبین بردن ستم قومي ، مذهبي

میگردد که مبارزه سازمان یافته از روي شرايط عيني جامعه شكل گرفته باشد ، اما بخش اختصاصي جهاد في سبيل الله ونفس در گيري مسلحانه انقلابي قتال گفته مي شود .

جهاد عمل ، سازمان يافته ي انقلابي است كه بدون ايمان آگاهانه وهجرت ، ميسر وممكن نيست .

هجرت (۱) از نظر جامعه شناسي حاوي مطالب ارزنده اجتماعي است ، كه در رابطه با جهاد - قتال ، باز گوكننده خطوط كلي استراتژيك جنگ انقلابي واز جمله اوصاف بارز مجاهد مؤمن است كه بدون دسترسي بدان نه تنها جهاد خالي از محتوا است ، بلكه نمي تواند مصداق عيني بيابد.

---

(۱) آماري نسبتاً دقيق كه از مراجعه مستقيم به قرآن گرفته شده ، آيات مربوط به قتال وجهاد كه در آن ايمان وهجرت ، مستقيم ويا ضمني ذكر شده به شرح ذيل است :

از جمله ۲۰ موضع كه هر موضع مشتمل بر چند آيه است ، آياتيكه در مورد جهاد نازل شده ، در ۱۳ موضع از « ايمان » و « هجرت » و « ۵ » موضع تنها هجرت ذكر شده است ، از جمله ۱۸ موضع آيا تيكه در مورد قتال نازل شده در ۱۰ مورد ، از ايمان وهجرت ذكر به عمل آمده كه از جمله ۹ موضع از ايمان ويك موضع از هجرت ياد شده واغلباً آيات جهاد - قتال بدنبال همديگر آمده اند .

وملي) وعدالت (برابري اقتصادي رفع ستم طبقاتي و ...) از آرمانهاي والاي مردم ما است که براي تحقق آن به مبارزه ي خويش ادامه ميدهيم .

جهاد ، جهاد پيروز ي

مرگ بر دولت روس ونوکران آن

زنده باد اسلام ناب توحيدي

مجاهدين مستضعفين افغانستان

حمل - ١٣٦٦



گلدانه هاي خون

به شهداي پيشتاز «وثيق» و «احمدي»

بر ميله ي مسلسل عاصي «الجهاد»[١]

سبزينه هاي نورس زيتون نهاده ايم

با شعله هاي سركش «نارنجك وثيق»[٢]

بر شهر شب ، شراره ي گلگون نهاده ايم

باياد عاشقانه ترين ، عاشقان حق

شعر بلند دل كش ، موزون نهاده ايم

شعري بسان چشمه ي خورشيد پرشرار

بنگرميان ، معركه از خون نهاده ايم

تابشكفد شقايق خونين سرخ حق

گلدانه هاي خون ، به هامون [illegible] ايم

از بهر مرگ سرخ و يا زندگي سبز

اندر كتاب جامعه قانون نهاده ايم

ن - ف

نقل از نشريه مستضعفين شماره ١٠ صفحه ٤١ سال ١٣٦٩

١- الجهاد اسم راكت اندازي است كه توسط جبهه مستضعفين ساخته شده و حدود ٣٠٠٠ متر برد دارد .

٢- نوعي نارنجكي است كه به ابتكار جبهه مستضعفين ساخته شده و به ياد شهيد وثيق نام گزاري شده است .

سنبل و شقایق

در شهر ، شب گرفته ي تاران دوزخي
سیمابگون ، ستاره ي تابان رسیدني است

خونینه ، لاله هاي دیار مقاومت
از خون شاهدان و شهیدان رسیدني است

ازاوج بي كرانه ي شهر سپید عشق
مرغان پركشوده «توفان» رسیدني است

از ساتگین ، سینه ي سرخ ، ستمكشان
آتش فشان كینه ي مردان رسیدني است

از میله ي مسلسل رزم آوران حق
صلح و صفا و نورو بهاران رسیدني است

قیرنه شب ، برو، كه خورشید سرخ حق
بر مشرق وجود عزیزان رسیدني است

از كوچه باغ سبز رهایي یلان حق
باهئیت صداقت و ایمان رسیدني است

در جشن زادروز ، بهاران ، گل امید
با سنبل و شقایق و ریحان رسیدني است

عید كبیر عشق و رهایي و روشني
در پرتو هدایت قرآن رسیدني است

از شماره ۱۱ مستضعفین نشریه جبهه مستضعفین بامیان

وقاتلو هم حتی لا تکون فتنه و یکو ن الدین لله

((و مبارزه مسلحانه را ادامه دهید تااینکه فتنه نابود و دین خدا " دستورات خداوندی "برقرار گردد.))

راه حل اساسی مسائل کنونی کشور

۱ــ برقراری صلح واقعی: جنگ تجاوزکارانهٔ روسها و نوکرانش و جنایات نیرو های عقب گرا محلی علیه مردم ما طی ده سال گذشته عامل اصلی ویرانی کشور واز بین رفتن صدها هزار انسان بیگناه بوده است . اکنون اکثریت عظیم مردم مادر داخل و خارج کشور خواهان ختم جنگ وبرقراری صلح میباشند. حل اختلافات وتضادهای فرعی بین مردم ازطریق مسالمت و مذاکره ، شیوه صحیح وعادلانه است . عامل اصلی جنگ ها ی کنونی در کشورماتجاوزخارجی هاست . بنا برین تنها با مقاومت و مبارزه مسلحانه علیه متجاوزین خارجی و نوکران محلی شان مداخلات آنها قطع و صلح برقرارشده میتواند.

۲ــ استقلال و تمامیت ارضی : درطول تاریخ وچه طی ــ

سال گذشته به اثبات رسیدکه تجاو ز و دخالت نیرو هـــا ی خارجی در امـو ر داخلی مـردم ماته تنها جامعه ٔ مارا از رشـد طبیعی آن باز داشت بلکه باعث ویرانی و عقب افتادگی بیشتری نیز شـده اســت ٠

بنابراین استقلال و تمامیت ارضی و حق تعین سـرنو شت وجلو گیری از مداخله قدرت های خارجی در اموربین مردمی ما از میانی رشد جامعه و آرمان و الای مردم قهرمان ما میباشـد ٠ دفاع از این آرمان ها وظیفه تمام افراد و نیرو های آزاد یخـواه کشـــو ر اســت ٠

۳ـ ملیت ها و مذاهب : چنانچه در طو ل صدهاســال بــه اثبات رسیده که در کشور ما ملیت هاو اقو ام مختلفی که دارای فرهنگ زبان ومذاهب گو ناگو ن هستند میتوانند در صلح و صفا و محیط برادری با هم زیست نما یند٠ بر عکس د ر گیری های لسانـــی ، مذ هبی به عناو ین محتلف باعث تباهی و عقب ماندگی هاشدهاست دامن زدن به اختلافات قو می و مذهبی حو است دشمنان مـاسوده و زمینه ٔ بهره برداری ضد انسانی آنها میشود٠ روند تکامل جو امـــع بشری ایجاب میکند تا همو اره درجهت رفع اختلا فات ملـــــی و مذ هبی وو حدت هرچه بیشترگام برداریم ٠ بنابراین درکشور مـــا تسا وی حقوقی و قانونی تمام ملیت ها و مذا هب و عدم امتیاز یکی بردیگری راه حل و اقعی و مطابق به خو است تمام مردم است ٠

۴ـ اتحاد نیـرو هــا : اتحاد تمام نیروهای مردمی به اساس

منافع مشترك ملی يك ضرو رت عينی درجامعه و و جبهۀ ملی ومذ هبی ميباشد• مشخصا" همکاری فعال نيرو های انقلابی وپيشرو کشور برای وحدت عملی و نظری بيشتر و ايجاد تشکل‌های وسيع برای پشتيبانی از مردم متکی به اصو ل‌آزادی ، استقلال ، حاکميت ارادۀ مردم و عدالت اجتماعی از و ظايف مبرم تمام نيرو ها و افراد آ گاه وپيشرو و طن ما است •

۵ــ تعيين دو لت : دو لت بايد مجری خو استه های تمامی مردم يك کشور باشد• باصد ها سال تجربه معلو م گرديده که هرگاه دو لت با مردم درتضاد بو ده و نيرو های عمده جامعه با آن همکاری نداشته باشد ، دو لت ها نه تنها کار های مفيد نخو اهد تو انست ، بلکه نا بو دی اش حتمی است • بنا" بهتر ين رو ش در تعين يك دو لت ، شرکت مستقيم تمام نيرو های سياسی مو جو د جامعه د ر امور دولتی و انتخا بات آزاد و رأ ی مستقيم تمام مردم در آز ادی کامل و تحت نظارت خو د مردم و بدو ن دخالت قدرت های خارجی ميباشد •

۶ــ باز ساز ی کشو ر: مسئو ل اصلی و يرانی هاو خرابی های نا شی ازجنگ ،دو لت شو رو يست ، جنگ جنايت کارانۀ روسها نه تنها باعث نابودی و و يرانی منابع تو ليد و سرمايه های مادی جامعه ما گرديد ه بلکه به تو انمندی بالقوه نيروی انسانی جامعه خسارات جبران نا پذير و ارد نموده اند• مصارف اعمار مجدد جريان تو ليدی در افغانستان در حد قبل

ction of

AHEDEN -E-
STAZAFIN
HANISTAN

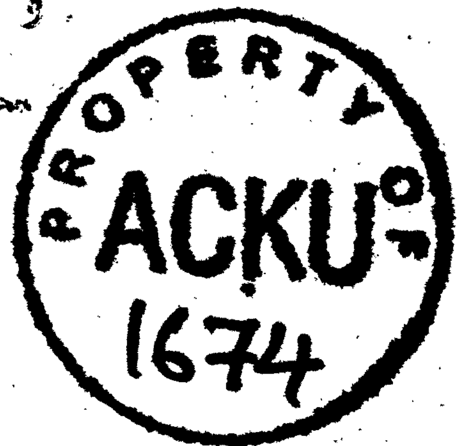
Documents



از جنـگ به دوش دولت روسیه است • اقـدام عملی برای اعمـار مجـدد اقتصاد افغانستان مربوط به از بین رفتـن جنـگ و شرایط آرام و مناسب میشود ، متأ سفانه قدرت هـای خارجی تا هنوز ازدخالت های مسلحانه در امور داخلی مـا دست بر نداشته اند• بر طرفی آ ثار جنـگ و اعمار دوبارهٔ جریان تولید در کشور ما باید براساس ضرورت مرحلهٔ رشـد تاریخی و طبیعـی ، منافع ملی و سیاست متکی خـود استـوار باشـد که از جانب افـراد آگـاه سیاسی و متخصص در رشته های علمـی با پشتیبـانـی و حمایت همه جانبـه مـردم عملـی میباشـد•

و پیـروزی از جانب خـداونـد اسـت

مجـاهـدیـن مستضعفین افغـانستـان



بامیـان ــ ثـور (۱۳۶۸)

آدرس مکاتباتي ما:

House No.287
Street 10
E.2.Phase 1
Hayatabad
Peshawar
PAKISTAN

U.I.A پیام . م
POSTFACH 250369
D- 4630 Bachum 25
Garmany

دراین اید ئولوژي کلیه ي اعمال عبادي ، به اساس ایمان مورد ارزیابي قرار گرفته که هجرت وجهاد بالاتر ین مراتب ایماني است .
اجعلتم سقایة الحاج وعمارة المسجد الحرام کمن آمن باالله والیوم الآخر وجاهد في سبیل الله لا یستون عندالله والله لا یهدي قوم الظالمین .

ترجمه : « آیا آب رساني به حجاج وتعمیر مسجد الحرام را در عرض ایمان به خداوند وروز آخرت وجهاد در راه خدا قرار میدهید ؟ حال آنکه این دو عمل نزد خداوند برابر نیست وخداوند ظالمان را هدایت نمي کند .« توبه ۱۹

این آیه وآیات مابعدش در جواب تفاخر قریش به نسبت آباد کردن مسجد الحرام نازل شده . هجرت یعني ترك همه وابستگي ها به اساس ایمان آگاهانه ، کسانیکه بدین اساس هجرت وجهاد کرده اند (قشر پیشتاز) ونیروهائیکه به حمایت آنان و یاري شان شتافتند چه بصورت انجام فعالیت هاي پشت جبهه و تهیه امکانات ، چه به صورت پیوستن مستقیم ودر گیري-رویا روي در یك صف ویك سطح ارزش عملي قرار دارند - اما کسانیکه ایمان آورده اند . وهجرت نکرده اند ، مسلماً با مجاهدین قابل مقایسه نیستند .

خواص عمده جهاد - قتال (جنگ انقلابي)

یکي از عوامل عمده که مسلمانها در طول تاریخ ، براي درهم کوبیدن اشکال گوناگون شرك وایجاد جامعه توحیدي ، به شیوه مبارزات قهر آمیز وبصورت مشخص به « جهاد - قتال» روي آورده اند ، عبارت از اعتقاد مسلمانها به ا ین شیوه مبارزات از دید گاه اید ئولوژیك است .

برای شرح اعتقاد مسلمانها به مبارزه مسلحانه ، باید خواص عمده این نوع مبارزه را که در کتاب ایدئولوژی اسلام (قرآن) بیان شده است مطالعه کرد .

۱/ جهت گیری جهاد (جنگ انقلابی)

اصطلاح جنگ انقلابی مترادف به جهاد - قتال فی سبیل الله می باشد ، از مطالعه قرآن چنین برداشت می شود که تنها مبارزه ی صحیح است ومی تواند پیروز شود که جهت آن سبیل الله یعنی هم جهت با تمام پدیده های جهان تکامل باشد ، سبیل الله جهت اصلی مبارزات مسلمانها بوده وبه همین مناسبت است که در اغلب آیات جهاد ، « فی سبیل الله » بعداز جهاد آمده است .

۲/ جهاد جنگ طویل المدت است .

هدف طویل المدت جنگ انقلابی بر انداختن « فتنه » (پدیده های ضد تکاملی) وبرقراری دین خدا وبه عبارت دیگر ، روش زندگی انسان مطابق فرموده آفریده گار است ، بنابر این جهاد (مبارزه سیاسی - نظامی) دارای اهداف طویل المدت بوده ، طرح پروژه های کوتاه مدت ، ناسازگار با بعثت دائمی وانقلابی مستمر وپویا است ؛ « وقاتلوهم حتی لا تکون فتنة ویکون الدین لله . (سوره بقره آیه ۱۹۲) ترجمه : پیکار کنید تافتنه نابود شود ودین خدا برقرار گردد

۳/ جهاد جنگ تدافعی وعادلانه است .

دونوع جنگ ، وجود دارد ، جنگ انقلابی وعادلانه وجنگ

ارتجاعي و تجاوز گرانه ، جنگ انقلابي جنگ تدافعي است (دفاع از قوانين خلقت) عليه كفار متجاوزيكه به قوانين عام طبيعت ، پشت پا زده ومانع بر قراري نظام توحيد ي وعادلانه مي شوند ، لذا ، جهاد عليه تجاوز گران جنگ عادلانه وتدافعي است : « اذن للذين يقاتلون بانهم ظلمو اوان الله علي نصرهم لقدير (۱)

٤- جهادجنگ پيروزمندانه است

اصول جنگ انقلابي در جريان عمل وگرماگرم انقلاب اجتماعي شكل گرفته وانكشاف مي يابد ، يعني جنگ انقلابي متكامل ورشد يا بنده است كسانيكه به آنها ظلم مي شود ، بايد به مبارزه وجنگ انقلابي مبادرت ورزند خداوند از طريق ، قوانين خلقت انقلابيون را ياري ميدهد وبه پيروزي ميرساند : « والذين جاهدوافينا لنهدينهم سبلنا وان الله لمع المحسنين (۲) لذا جنگ انقلابي جنگ پيروزمندانه نير هست .

---

(۱) به آنهائيكه بر آنها ظلم شده اجازه پيكار داده شده وخداوند قادر است كه آنها را پيروز نمايد . (حج آيه ۳۸)

(۲) آنها كه در راه ما ، جهاد مي كنند ،حتماً راههاي (پيروزي) رابه آنها مي‌نمايانيم ويقيناً خداوند با نيكو كاران است . (عنكبوت آيه ٦۹)

۵/ جهاد جنگ مستمر وپویا است :

عمل انقلابي ،تعيين كننده ، وضع زندگي آينده جامعه بشري است ، بدين معنا كه انقلابيون ، زندگي فعلي شانرا ، براي آينده عالي وبرتر فدا مي كنند ، اعمال انقلابيون ، درهستي ضايع نشده ودر جريان تكامل وساختمان نوين جامعه ، نقش مؤثر و تعيين كننده دارد ، در جريان ، تحولات اجتماعي ومراحل تاريخي نسلي رسالت خويش را انجام داده ودر دوره ي تاريخي بعدي ، نسل ديگري راه آنها را ، دنبال مي كنند ، بدين صورت ، مبارزه وتحولات اجتماعي همواره جريان مي يابد ، يعني جنگ انقلابي ، جنگ مستمر وپويا است .

اصول شناخت نيروهاي انقلابي :

در ، ايدئولوژي رهائي بخش اسلام ، معيار شناخت نيروها و افراد ،براساس عملي كه اين نيروها وافراد انجام ميدهند ، تعيين شده است .

بنابراين ، درجريان عمل انقلاب اجتماعي است كه شناخت نيروهاي انقلابي به درستي ميسر ميگردد ، چون همه ي كسانيكه دم از انقلاب ميزنند ، انقلابي نيستند ، مشخصاتي كه پايگاه اجتماعي انسان را ، در جهت انقلاب يا ارتجاع تعيين مي كنند ، عبارت از : -

۱- ايمان

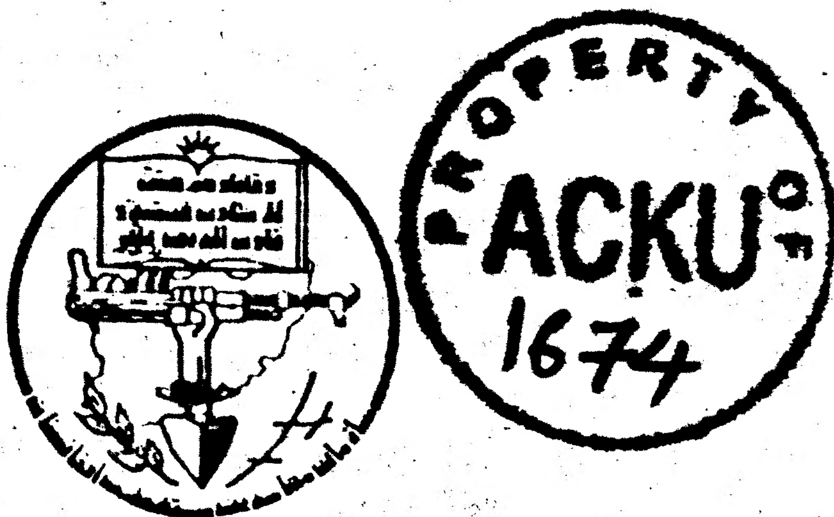
۲- هجرت

۳- جهاد

گزیده از :

آثار مجاهدین مستضعفین افغانستان





گزیده از :

آثار مجاهدین مستضعفین افغانستان

A selection of

MOJAHEDEN-E- MOSTAZAFIN AFGHANISTAN

Documents

فهرست مطالب

اسم جزوه : گزیده ي از آثار مجاهدین مستضعفین

تیراژ: ۲۰۰۰ جلد

ناشر : مجاهدین مستضعفین (بخش پاکستان)

تاریخ انتشار: اسد ۱۳۷۰ پشاور